

پوشش تأمین اجتماعی در امریکای لاتین*

رافائل رافمن با همکاری الیانا کارانزا

ترجمه پری علیجانی**

۱. مقدمه

در دهه اخیر، مباحث تأمین اجتماعی در منطقه امریکای لاتین در حول و حوش محورهای گوناگونی چون ریسک‌ها، اثرات کلان اقتصادی نظامها و مشارکت بخش خصوصی در مدیریتشان بوده است. در حال حاضر بسیاری از تحلیل‌گران بر مسئله پوشش بیمه‌ای تمرکز دارند. این نگرش «بازگشت به اصول» می‌تواند با ذخیره اندک ولی پایدار شاخص‌هایی مرتبط باشد که نشان می‌دهد اصلاحات دهه ۱۹۹۰ تأثیر بسیار کمی بر مشارکت مستخدمین در نظام رسمی تأمین اجتماعی داشته است. در آینده تعداد افراد کهنسال بدون درآمد، به صورت ثابتی هم در کشورهایی که در فرایند اصلاحات پیشرفت داشته و هم آنهایی که پیشرفت نداشته‌اند، رشد خواهد کرد. بحث پوشش تأمین اجتماعی که با فقدان اطلاعات روبه‌رو بوده، امکان مقایسه دقیق بین کشورهای مختلف و دوره‌های متفاوت را میسر نمی‌سازد. بسیاری از مقالاتی که به تازگی منتشر

* Sociol security Coverage in latin America. Rafael Rofman with the Collaboration of Eliana Carranza, may 2005. Social Protection Unit, Human Development Network, the World Bank.

** رئیس گروه مطالعات و بررسیهای تطبیقی دفتر برنامه‌ریزی بیمه‌های اجتماعی، وزارت رفاه و تأمین اجتماعی.

شده و همچنین دیدگاه‌های آماری، روش تحقیق و منابعشان واضح نیست، به همین دلیل انتشار اطلاعات پوشش بیمه‌ای تعداد قابل توجهی از کشورهای منطقه که به طور همزمان و بر اساس اطلاعات مشابه محاسبه شده‌اند در شفاف سازی این مباحث مشارکت داشته و طرح‌های پیشنهادی خاصی ارائه می‌کند.

مقاله حاضر اولین گام در راستای امر فوق است. این مقاله شاخص‌های پوشش و عوامل تعیین‌کننده آنها را برای ۱۷ کشور آمریکایی لاتین، بر اساس بررسی‌های خانوار ارائه می‌کند. این اطلاعات با توجه به مشکلات ناشی از مقایسه بین نظامها و ابزارها، علاوه بر مشکلاتی که در محاسبه دقیق خصوصیات جست و جو شده در داده‌های پژوهش وجود دارد، کامل نیست. مؤلف سعی دارد این مقاله اولین قدم در فرایند ارزیابی اطلاعات تجمعی باشد، با اذعان به این مطلب که نتایج در بررسی‌های بعدی می‌تواند تعدیل شود، بویژه اینکه کار به تولید همان شاخص‌ها، برای سالهای دهه ۱۹۹۰ منجر شود.

سنجش و اندازه‌گیری پوشش تأمین اجتماعی و عوامل تعیین‌کننده آن عملیات ریاضی محض نیست، زیرا تعاریف متعددی را باید برای متغیرهای مورد سنجش ارائه کرد. گفت و گو در مورد سنجش شامل دو جنبه است که تا حد معینی می‌توان در مورد آنها مستقل عمل کرد. از طرف دیگر، مقوله پوشش شامل مباحث ادراکی مهمی است. در واقع قبل از انتخاب شاخص‌های اندازه‌گیری اثربخشی نظام بازنشستگی و میزان دسترسی به جمعیت مورد نظر، باید اهداف نظام را تعریف کرد به این معنی که کدام بخش از جمعیت را و با چه مخاطراتی می‌خواهیم تحت پوشش قرار دهیم.

اندازه‌گیری پوشش از نظر روش‌شناختی پیچیده است. حتی وقتی که شاخص‌های نسبتاً ساده‌ای را به کار می‌گیریم، ساختار آنها به دلایلی مشکلاتی را ایجاد می‌کند، به طوری که منابع اغلب وجود نداشته یا محدودند؛ ضمن آنکه چندان قابل اعتماد نیستند. به علاوه، بسیاری از افراد در میانه این طیف قرار می‌گیرند. همچنین پیچیدگی‌های ذاتی‌ای در مقایسه دوره‌های مختلف، کشورها و بخشهای مختلف دیده می‌شود. اگرچه این مسائل به طور کامل بر طرف نمی‌شود، باید تلاش شود به منظور جلوگیری از نتیجه‌گیری نادرست این عوامل مورد کنترل قرار گیرد.

ادبیات حاکم بر نظامهای تأمین اجتماعی حاکی از این است که اهداف اصلی این نظامها جلوگیری از گسترش فقر میان قشر سالخورده و یکنواخت‌سازی مصرف در طون زندگی آینده

آنها است. همچنین تحلیل نویسندگان مختلف بر دیگر اهداف یا ابعاد ثانویه‌ای متمرکز شده است که باید هنگام طراحی نظام بازنشستگی مورد توجه قرار گیرد (مانند تأثیر آن بر پس‌انداز ملی، انباشت سرمایه، بازار کار یا وضعیت مالی). اهمیت نسبی هر یک از این عناصر (شامل نقش دولت در طراحی، اجرا و مدیریت سیستم) مطابق با موقعیت‌های سیاسی و فلسفی نویسندگان مختلف متفاوت است. برخی مؤلفان اعتقاد دارند که اهداف اصلی باید کاهش فقر شدید باشد. برخی دیگر نگرش گسترده‌تری را پیشنهاد کرده‌اند، که این نگرش برای تأمین اجتماعی نقشی محوری در سیاستگذاری توزیع مجدد درآمد اجتماعی قائل است. گروه سوم اعتقاد دارند که هدف محوری باید تضمین درآمد جایگزین عادلانه باشد، در صورتی هنوز عده‌ای بر نیاز به ارتقای توسعه اقتصادی در سطح کلان و حذف عواملی که موجب اغتشاش در بازارهای مختلف است، تأکید دارند. به عقیده آنها، هدف اصلی نظام تأمین اجتماعی فراهم آوردن امنیت اقتصادی برای جمعیت سالخورده است. بنابراین، هرگونه ارزیابی در مورد اثربخشی آن باید با در نظر گرفتن دسترسی کل جمعیت به چنین حمایت‌هایی انجام گیرد.

بخش دوم این مقاله به منظور تعریف دقیق مفاهیم پوشش، ابعاد را مورد بررسی قرار می‌دهد. برای آغاز تعریفی ادراکی مورد نیاز است، اما برای تضمین صحت اندازه‌گیری‌های تجربی مناسب در مورد پوشش کافی نیست. مبانی فراوانی در مورد شناسایی روش‌های مختلف وجود دارد که از مشکلات عملی برای بیان مفاهیم نشأت می‌گیرد. این مسائل شامل کیفیت، ابزار گردآوری اطلاعات، قابلیت دسترسی به پایگاه داده‌ها و مسائل مرتبط با کشورهای مختلف و دامنه زمانی مختلف است. این مسائل و نگرش‌ها که برای کاهش تأثیرشان بر کیفیت شاخص‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرند در بخش سوم مورد بحث قرار خواهند گرفت.

در بخش چهارم مقاله حاضر شاخص‌هایی برای ۱۷ کشور در منطقه آمریکای لاتین ارائه شده است که از طریق تجزیه و تحلیل بررسی خانوارهای در دسترس به دست آمده است. برای تشخیص مشکلات مربوط به مقایسه اطلاعات در دسترس، این بخش گروهی از شاخص‌های مشابه را ارائه می‌کند که سنجش پوشش را در کشورهای مختلف هم در بین کارگران فعال و هم در میان افراد سالخورده امکان‌پذیر می‌سازد. به علاوه، ویژگی‌های جمعیت‌شناسی اجتماعی، جمعیت تحت پوشش و خارج از پوشش مورد بحث قرار می‌گیرد که تفاوت‌های مربوط را مشخص کند.

۲. نظام‌های تأمین اجتماعی، اهداف و ابزارها

نظام‌های تأمین اجتماعی، شامل نظام‌های بازنشستگی و در بسیاری موارد بیمه‌های درمانی با مکانیزم‌های ایجادشده (یا ابلاغ‌شده) به وسیله دولت با هدف فراهم آوردن خدمات خاص تحت شرایط مناسب است. مشخصات ویژه این خدمات هم از جنبه آکادمیک و هم از منظر سیاسی بررسی شده است.

مباحث عمده حول تعریف اهداف اصلی برنامه‌ها است. بیشتر تحلیل‌گران توافق دارند که این نظام‌ها پاسخی به کاهش ظرفیت کاری بر اساس سن است. دلیل این است که افراد سالخورده نیازمند منابع خارجی برای تأمین مالی مصرفشان هستند. گرچه به طور سنتی، مکانیزم تأمین مالی معاش این گروه از طریق انتقال بین نسلی سازماندهی شده، ایجاد بازارهای کار جدید و تغییرات جمعیت‌شناختی نیاز به رهیافتی جامعه‌محور را ایجاد کرده که تا حدی باعث جایگزینی مکانیزم خانواده می‌شود. گرچه مزایای بازنشستگی هم‌اکنون برای گروه‌های کوچک وجود دارد، اصلاحاتی که بیسمارک آلمانی مروج آن در پایان قرن نوزدهم بود اولین گام بزرگ در این مسیر محسوب می‌شود.

ادبیات حاکم بر این مقاله حاکی از این است که اهداف اصلی تأمین اجتماعی، یکنواخت‌سازی میزان مصرف (معاش) در مدت زندگی یک شخص و کاهش نرخ فقر در میان سالخوردگان است. این بینش حاصل دو معیار متمایز اولیه است که به دنبال جایگزینی درآمد به دست آمده یا کاهش فقر، به طور نسبی است. با توجه به این اهداف، نظام‌های «پیش‌بینی‌شده» به نظام‌های مشارکتی و غیرمشارکتی تقسیم می‌شود

نظام‌های مشارکتی در جست و جوی ایجاد ساز و کاری است که درآمد به دست آمده توسط بازنشستگی که بازار کار را به دلایل سنی ترک می‌کنند، از طریق مشارکت‌کنندگان تأمین مالی کند. برخی از این نظام‌ها تابع مکانیزم پس‌انداز اجباری است، در صورتی که بیشتر نظام‌ها از مکانیزم انتقالات بین‌نسلی استفاده می‌کنند، در عین حال آنها همیشه پوشش را به جمعیت مشارکت‌کننده در بازار کار محدود می‌کنند.

نظام باید بتواند حمایت‌های مشابه را برای حقوق‌بگیران فراهم کند. این مدل، هدف پوشش همگانی را دنبال نمی‌کند. در عوض، بر نیازهای حقوق‌بگیران تمرکز می‌کند، با این فرض که باقیمانده جامعه مکانیزم‌های موجود را برای تضمین معاش در دوران سالخوردگی حفظ

می‌کنند. این شیوه با این فرض که نسبت حقوق‌بگیران به صورت ثابتی با رشد اقتصادی افزایش می‌یابد، طبیعتاً تمایل به همگانی شدن دارد. بر این اساس، افراد قادر به تولید درآمد کافی در مدت زندگی فعالشان برای تأمین فعلی خود و ایجاد درآمد مازاد خواهند بود که بتوانند معاش فعلی افراد سالخورده یا آتیۀ خود را تأمین کنند. به هر حال ضروری است که نظامی طراحی شود تا انتقالات را به طور ثابتی سازماندهی کند. بنابراین مدل مشارکتی اولیه مبتنی بر مشارکت منظم کارگران فعال است (حق آینده آنها را برای دریافت مزایا تضمین می‌کند) که با آن مزایای بازنشستگان، تأمین مالی شده و معمولاً با درآمد قبلی‌شان تناسب دارد.

دیگر نگرش جایگزین، نظام غیرمشارکتی است. این مدل در کشورهای مختلف تحت قیمومیت بریتانیا توسعه یافت، که شکل برنامه‌های عمومی فقرزدایی در سن پیری را به خود گرفته و نیازهای اولیه را برای تمامی جمعیت سالخورده تأمین می‌کند. این مدل از طرح پیشنهادی «لرد ویلیام بوریج» در انتهای جنگ جهانی دوم الهام گرفته است که بویژه در کشورهایی نظیر نیوزیلند، استرالیا، انگلستان و سایر مستعمرات سابق بریتانیای کبیر مورد استقبال قرار گرفت. برخلاف مدل مشارکتی، ایده اصلی مدل غیرمشارکتی، تأمین مالی از محل مالیاتهای عمومی است و به بازار کار مربوط نمی‌شود. به منظور تأمین مالی مزایایی که همه بازنشستگان را تحت پوشش قرار دهد، مزایا از طریق عوارض یا مالیات ثابت نیروی کار تأمین مالی می‌شود و استحقاق مزایا بر اساس مفهوم شهروندی است. با فرض همگانی بودن مزایای ارائه‌شده این نگرش جهت جایگزین درآمد برای تضمین حداقل معاش به کار می‌رود.

مباحث آکادمیک و سیاسی در مورد محاسن و معایب این دو نگرش گسترده است و بعید به نظر می‌رسد که این مباحث به نتایج قابل اتکا ختم شود. تحلیل‌ها و تجربیات گردآوری‌شده در سنوات گذشته مؤید این است که هر دو نگرش محسنات و نواقصی دارند، به گونه‌ای که در بسیاری از حوزه‌های سیاست عمومی، موفق‌ترین آنها ترکیبی از عوامل و چارچوب‌های مختلف بوده است که به صورت مناسبی عملیاتی شده‌اند. مدل مشارکتی به خاطر ظرفیت و قابلیت «تأمین مالی» و شفافیت بیشتر حسب تأثیر بر بازار کار باید مورد ارزیابی قرار گیرد. بررسی چنین مدل‌هایی شامل خطر ایجاد نابرابری، هزینه‌های بالقوه بالا و محدودیت در گسترش پوشش بخش‌های رسمی اقتصاد است. همچنین اثربخشی آنها در تحقق اهداف کاهش فقر در میان سالخوردگان مورد انتقاد است (زیرا که صرفاً این کار بین مشارکت‌کنندگان انجام

می‌شود). نظامهای غیر مشارکتی مزایایی دارند که می‌توانند به صورت کارآمدتری بخشهایی از جامعه را که معمولاً در مدل همیاری یا مشارکتی محروم مانده‌اند، تحت پوشش قرار دهند. به علاوه آنها مستقل از چرخه بازار کار هستند. هنوز ملاحظاتی در مورد پایداری مالی میان مدت و انگیزه پس‌انداز در بخش خصوصی وجود دارد. اگرچه این نظامها با اجزای چندلایه‌ای، برای چندین دهه در کشورهای زیادی وجود داشته‌اند، به تازگی، در دهه ۱۹۹۰ بحث در مورد تأمین اجتماعی به مفهوم مدل‌های چندلایه‌ای مورد توجه قرار گرفته است و به روشنی تشخیص داده می‌شود که فراهم کردن امنیت اقتصادی برای افراد سالخورده در جوامع پیشرفته (اعم از توسعه‌یافته یا در حال توسعه) بسیار پیچیده‌تر از آن است که با ابزارهای ساده مورد بررسی قرار گیرد. در عوض ضروری است عناصر مختلف را در نظامهای چندلایه‌ای در جهت برآوردن نیاز بخشهای مختلف جمعیت، در یک راستا به کار گیریم. بیشتر نظامهای تأمین اجتماعی در امریکای لاتین طی نیمه اول قرن ۲۰ با طرح مشارکتی و واضحی سازماندهی شده بودند. در کشورهایی که این برنامه‌ها برای اولین بار اجرا شده‌اند، این فرایند به وسیله تقاضای گروههای اجتماعی یا اتحادیه‌های تجاری که به دنبال بهبود شرایط کاری بخشهای خود بودند، اجرا شد. به هر حال، در سایر موارد، توسعه این برنامه‌ها به نوآوری‌های ایجادشده از سوی دولت عکس‌العمل نشان داد که به وسیله سیاستها یا بخشی از تلاشها برای بهبود شرایط زندگی افراد به جریان افتاد (ای سوآنی^۱، ۱۹۷۹).

این نظامها در کشورهایی که تأمین اجتماعی برای اولین بار در آنها عملیاتی شده، تمایل به تجزیه شدن دارند، زیرا آنها اصولاً به گروههای فشار اتحادیه‌های تجاری مستقل یا گروههای با نفوذ در دولت که از طریق قانونگذاری برای ایجاد نظام حمایتی خودشان فشار وارد می‌کردند واکنش نشان می‌دادند. برای مثال، در دهه ۱۹۶۰، شیلی ۳۵ نهاد تأمین اجتماعی و ۱۵۰ برنامه مختلف داشت (آرناس دو مسا^۲، ۲۰۰۰)، در صورتی در آرژانتین حتی پس از یکپارچه‌سازی نظام که در دهه اخیر رخ داده است، حداقل ۶ نظام مستقل در سطح ملی و ۳۲ نظام برای مستخدمان دولتی استانها و شهرداری‌ها و چندین صندوق تأمین اجتماعی برای مشاغل خاص در سطح استانی وجود دارد (دبیرخانه تأمین اجتماعی، ۲۰۰۲).

در سایر مواردی که نظامهای تأمین اجتماعی ایجاد شدند، یافتن سازمانهای متمرکز و

1. Isuani

2. Arenas de mesa

پوشش یکسان برای بخشهای مختلف بازار کار معمول است. معمولاً استثنائات قوانین، شامل نیروهای مسلح، مجریان قانون و گه گاه گروههای خاص عالی‌رتبه دولتی (کارمندان دادگاه و دیپلمات‌ها) می‌شود. از آنجا که بیشتر نظامهای تأمین اجتماعی در منطقه از نظامهای بخشی نشأت می‌گیرند، تمایل به تمرکز بر بخشهای ویژه‌ای از جامعه دارند. یافتن شیوه‌ای جامع در مورد مسائل امنیت اقتصادی افراد سالمند بسیار دور از ذهن می‌نماید. بسیاری از نظامها در اوایل قرن بیستم الگوهای نظامهای اندوخته‌گذاری کامل یا جزئی را به عنوان استراتژی تأمین مالی به کار گرفتند، اگرچه در بیشتر موارد مشکلات کلان اقتصادی، مداخلات سیاسی، مدیریت اجرایی ضعیف و حتی با یارانه‌های کلان دولتی، آنها را در عمل به سمت نظام پرداختهای جاری^۱ سوق داد. وجود مکانیسم‌های تأمین مالی سه رکنی (با مشارکت کارگران، کارفرمایان و دولت) در منطقه مرسوم شده است. این نگرشی است که اغلب به عنوان یک استراتژی جهت غلبه بر مشکلات کوتاه‌مدت مالی به کار گرفته می‌شود، اما تبدیل به الگوی تأمین مالی بلندمدت شده است. در برخی موارد بخش دولتی با درصدی از ذخایر نظام یا درصدی از دستمزد بیمه‌شده یا یک میزان از پیش تعیین‌شده مشارکت کرده است (بولیوی و مکزیک). در سایر موارد مشارکت بخش دولتی به عنوان درصدی از مزایا تعریف می‌شود (اکوادور). در سایر کشورها این کار از طریق پرداخت منظم از خزانه، بر اساس جمع‌آوری مالیاتهای غیر کارگری خاص، انجام شده است (آرژانتین و اروگوئه).

به دنبال ایجاد چنین نظامهایی، بیشتر نظامهای تأمین اجتماعی در منطقه به طور پایداری پوشش خود را برای چند دهه افزایش دادند و بتدریج بخشهای جدید اقتصادی و کارگران آنها نیز تحت پوشش قرار گرفتند. روند این رشد ممکن است یک نگرش خوش‌بینانه را در بلندمدت تقویت کند. زیرا رشد تعداد مشارکت‌کنندگان به موفقیت مدل اشاره دارد که در عین حال مشکلات بالقوه پایدار مالی نظام را، با فرض جمعیت بسیار جوان موجود، از بین برده است. دیدگاه غالب این بود که مشارکت قانونی تمام بخش‌های اقتصاد، با روند رو به رشد رسمی‌سازی بازار کار، در میان‌مدت منجر به همگانی شدن یا نیمه‌همگانی شدن سطوح پوشش می‌شود. در غیر این صورت گسترش پوشش طی زمان کند خواهد شد و بخشهای زیادی از جمعیت، بویژه آنهایی که در فعالیتهای با بهره‌وری پایین یا درجه بالای غیررسمی مشغولند، خارج از نظام باقی

1. pay as you go (PAYG)

خواهند ماند. به علاوه با گذشت زمان از عمر نظام، مسائل مربوط به سالمندی جمعیت و در بسیاری موارد سوء مدیریت اجرایی، مشکلات مالی فزاینده‌ای ایجاد کرده‌اند.

اصلاحات اجرا شده در خلال دهه ۱۹۹۰ به میزان زیادی در جهت بهبود پایداری مالی میان مدت این نظامها بوده و در این فرایند از طریق تشویق کارگران برای عضویت، گسترش پوشش دنبال می‌شد. اولین هدف به طور منطقی موفق بود (اگرچه مشکلات در نتیجه مسائل مالی کوتاه مدت بود) اما ایجاد انگیزه‌های جدید، از طریق ارتباط واضح تر میان حق بیمه‌های پرداختی و مزایای مورد انتظار اثرات زیان آور داشته است. تعداد مشارکت کنندگان به میزان کمی افزایش یافته و حتی در بسیاری کشورها این روند کاهش داشته است. همچنین شرایط سختگیرانه مشمولیت، اثرات نامطلوبی بر پوشش در میان سالخورده‌گان داشته است.

در این زمینه، دولتها و تحلیل‌گران به طور فزاینده‌ای نگرانی‌هایی را در زمینه پوشش ناکافی نظام بیان داشته‌اند و انحراف آشکاری را که منجر به محروم ماندن بخشهای آسیب‌پذیر جامعه شده است، تشریح کرده‌اند. بحث در مورد گسترش پوشش نظامهای مشارکتی برای بخشهایی که تحت پوشش قرار نگرفته‌اند، در چند کشور در حال افزایش است. پیشرفت مکانیزم‌های پایداری مالی، در امتداد این سیاستها دیده می‌شود مانند SSC^۱ در اکوادور، مستمری روستایی در برزیل، نظامهای کاملاً غیر مشارکتی مانند Bono solidario در بولیوی، PASIS^۲ در شیلی، Plan Mayores در آرژانتین. هیچ‌گاه، هیچ یک از این تلاشها همراه با ظرفیت تحلیلی بالا، تا حدودی به خاطر نبودن ابزارهای کافی برای تحلیل، مسئله پوشش تأمین اجتماعی را مورد توجه قرار نداده‌اند. به همین طریق، این مقاله، یک سری شاخص‌هایی را ارائه می‌کند که توصیف ابتدایی پوشش تأمین اجتماعی (و عدم پوشش) در بخش وسیعی از منطقه را ممکن می‌سازد.

۳. تعریف پوشش و محاسبه آن

تعریف سنتی از پوشش در برنامه‌های حمایت اجتماعی به نسبت افرادی که مزایا را در گروه مرجع دریافت می‌کنند - و به عنوان جمعیت هدف در نظر گرفته می‌شوند - اطلاق می‌شود. این تعریف کلی نیاز به یک تعریف مجدد دارد، زیرا لازم است نوع مزایای موجود در نظام و جمعیت هدف هنگام ارزیابی قلمروی تحت پوشش نظام در نظر گرفته شوند. طبق نظرات

1. Seguro Social Compesino (SSC)

2. Pensions Asistenciales (PASIS)

(گروشکا^۱ و برترانو^۲ ۲۰۰۱) ورافمن و گروشکا (۲۰۰۱ و ۲۰۰۲)، اغلب وقتی در مورد پوشش تأمین اجتماعی بحث می‌کنیم، گروه مرجع به افرادی که مستمری یا مزایای بازنشستگی را دریافت می‌کنند، اطلاق می‌شود. بدین ترتیب، پوشش دو مرحله دارد. مرحله اول به دوره‌ای مربوط است که یک کارگر در نظام مشارکت می‌کند و حق استفاده از مزایا به او تعلق می‌گیرد. این مرحله پوشش جمعیت فعال اقتصادی است. مرحله دوم مربوط به دریافت مزایای نقدی و زمانی است که افراد به سن سالمندی می‌رسند. به عبارت دیگر این پوشش مربوط به دوران سالمندی است. هرچند در یک مدل بی‌نهایت ساده، این دو معیار باید شاخص‌های پوشش مشابه تولید کنند، در عمل تفاوت‌های مربوط به شرایط مشارکت، مسائل جمعیت‌شناختی اجتماعی و اقتصادی بخش‌های مختلف مشمول نظام و ملاک‌های نام‌نویسی می‌تواند به نتایج کاملاً متفاوتی منجر شود.

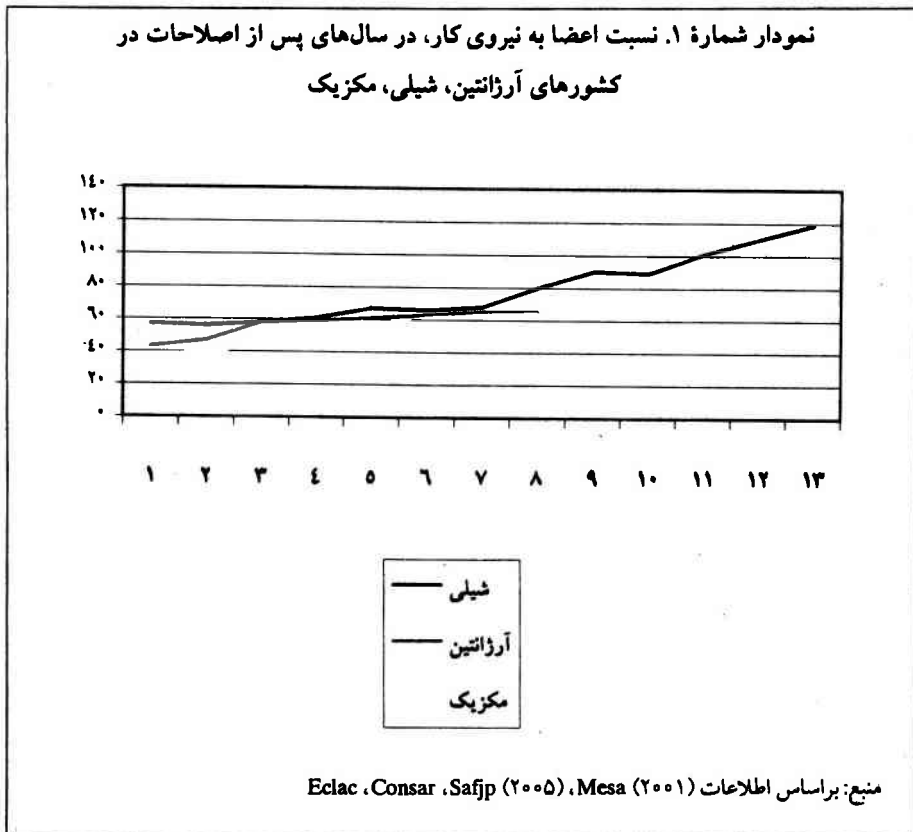
اندازه‌گیری پوشش جمعیت فعال اقتصادی، نوعی نسبت را به ذهن متبادر می‌کند. شاخصی که در موقعیت‌های متعددی استفاده شده است، نسبت تعداد مشارکت‌کنندگان در نظامهای مستمری (به معنی کسانی که در نظامها ثبت نام کرده‌اند) و جمعیت فعال اقتصادی است. مزیت عمده این شاخص سادگی نسبی محاسبه آن است. در واقع، حتی نظامهای تأمین اجتماعی با ناقص‌ترین امور اجرایی، عموماً قابلیت تخمین تعداد کارگرانی که ثبت شده‌اند و محاسبه میزان جمعیت فعال اقتصادی را به آسانی دارند. با وجود این، وقتی شاخص‌ها بدقت بررسی می‌شوند، دارای مشکلات جدی هستند. بسیاری از افراد ثبت‌شده در نظامها به طور واقعی واجد شرایط دریافت مزایا نیستند. سوابق موجود در سازمانهای تأمین اجتماعی بسیار حجیم است، از این رو سوابق چندگانه و اشتباهات فقط زمانی تصحیح می‌شود که مشارکت‌کنندگان متقاضی دریافت مزایا می‌شوند. به هر حال، مشکل در این است که کارگران می‌توانند به صورت مشارکت‌کننده ثبت‌نام کنند، ولی حق‌بیمه پرداخت نمی‌کنند یا اینکه تعداد کمی در دوران فعالیت اقتصادی به خاطر آنکه شغلشان را از دست می‌دهند، یا به دلیل آنکه از فعالیتهای اقتصادی صرف‌نظر می‌کنند (اما از آنجایی که الزامات قانونی را برآورده نمی‌کنند، نمی‌توانند درخواست مزایا بکنند) حق‌بیمه پرداخت می‌کنند یا به سادگی به خاطر اینکه پرداخت حق‌بیمه به نظام را متوقف کرده‌اند بدون اینکه عضویت خود را لغو کنند، به بخش غیررسمی می‌پیوندند.

1. Grushka

2. Bertranou

این پدیده جانمایی بین وضعیت غیر فعال، بیکاری، استخدام غیر رسمی و استخدام رسمی، منجر به افزایش مستمر نسبت شرکت کنندگان به جمعیت فعال اقتصادی می شود که حتی از ۱۰۰٪ نیز فراتر می رود.

نمودار شماره ۱ سیر تکامل این شاخص را در آرژانتین، شیلی و مکزیک بر اساس تعداد سالهایی که از اجرای اصلاحات گذشته است، نشان می دهد (همزمان با شروع رویه ثبت نام نظام جدید). مشاهده می شود که ۳ کشور دارای روندهای مشابهی هستند و اگر این نسبت به عنوان یک شاخص پوشش استفاده شود، در نهایت به ۱۰۰ درصد می رسد (این موضوع در شیلی در ۱۹۹۵ اتفاق افتاد و ۱۵ سال بعد از اصلاحات، آن کشور به سطح واقعی ۱۰۰ درصد رسید). نسبت بین تعداد شرکت کنندگان و جمعیت فعال اقتصادی یک شاخص سودمند است که



نشان‌دهنده درصد پوشش جمعیتی در یک نقطه مرتبط با نظام تأمین اجتماعی است. با این حال، با توجه به مشکلات اندازه‌گیری اشاره‌شده، برای سنجش میزان پوشش شاخص مناسبی نیست. روند مشابهی در مورد شاخص دیگری که به طور عمده استفاده می‌شود، روی داده است که عبارت است از: نسبت بین تعداد پرداخت‌کنندگان حق‌بیمه و تعداد شرکت‌کنندگان در یک نظام. با فرض روند رو به رشد در مخرج، این شاخص به مرور زمان تنزل خواهد کرد، بدون اینکه اشاره‌ای به کاهش واقعی سطح حمایت اجتماعی داشته باشد. به منظور اجتناب از این اغتشاشات، نویسندگان متعددی ترجیح دادند تعداد مشارکت‌کنندگان را (یعنی تعداد کسانی که به‌طور واقعی در یک ماه معین حق‌بیمه پرداخت می‌کنند) با تعداد کارگران استخدام‌شده - پوشش شغلی - یا با جمعیت فعال اقتصادی^۱ - پوشش نیروی کار - به منظور فراهم کردن تخمین صحیح‌تری از میزان پوشش، مقایسه کنند.

گرچه این اندازه‌گیری مناسب‌تر به نظر می‌رسد، ذکر این نکته مهم است که این شاخص به طور مطلق دقیق نیست. در واقع، این موضوع نیز دارای مشکلات خاصی است. به عبارت دیگر، ممکن است که تحت شرایط خاصی کارگران تحت پوشش قرار گرفته باشند، بدون اینکه حق‌بیمه‌ای پرداخت کرده باشند، که مقررات نظام می‌تواند صلاحیت آنها را برای برخورداری از مزایا تعیین کند. به این ترتیب این شاخص نیز نمی‌تواند میزان پوشش را درست تخمین بزند. به عنوان مثال، این مورد برای شخصی خواهد بود که بر اساس مشارکت قبلی‌اش استحقاق پیدا کرده است، یا اشخاصی که استحقاق دریافت مزایا را در شرایط استثنایی پیدا می‌کنند که ملزم به پرداخت حق‌بیمه نیستند. در عین حال، بعضی مواقع، شاخص‌هایی که بر اساس تعداد مشارکت‌کنندگان هستند، پوشش را بیش از اندازه تخمین می‌زنند، زیرا مشارکت پراکنده حقی را برای دریافت مزایا ایجاد نمی‌کند، مگر اینکه آنها به حداقل مقدار بحرانی برسند. در نهایت، اختلاف در طراحی نظامها در میان کشورهای مختلف به دلیل ارزیابی اهمیت شاخص، مهم به شمار می‌رود. مشارکت در هر یک از کشورها با نظام اندوخته‌گذاری به طور خودکار ایجاد حق می‌کند، اما میزان حقوق یکسان نیست.

برای مثال، نرخ حق‌بیمه در شیلی (۱۰ درصد حقوق و دستمزد به حسابهای انفرادی واریز می‌شود)، حمایت بیشتری نسبت به جمهوری دمی‌نیکن (که نرخ حق بیمه ۵/۵ درصد دستمزد

1. economically active population. (EAP)

است) ارائه می‌کند. به طور مشابهی مشارکت باعث ایجاد حق دریافت مستمری پایه می‌شود که توسط دولت تأمین مالی شده، اما تعداد سالهای مورد نیاز مشارکت برای برخورداری از مزایا به طور گسترده‌ای متفاوت است (برای مثال در شیلی ۲۰ سال و در اروگوئه ۳۵ سال). در این حالت شخص می‌تواند بگوید که مشارکت‌کنندگان در اروگوئه حمایت کمتری را نسبت به شیلی دریافت می‌کنند.

مسا-لاگو^۱ (۲۰۰۱) پوشش را در ۸ کشور امریکای لاتین با استفاده از شاخص‌های نام‌نویسی‌شدگان و پرداخت‌کنندگان حق بیمه در ارتباط با جمعیت فعال اقتصادی، بر اساس داده‌های ارائه‌شده مقامات مختلف تأمین اجتماعی، مورد مطالعه قرار داد. در زمان مقایسه جداول، او دریافت که تعداد ثبت‌نام‌شدگان دو برابر مشارکت‌کنندگان است، اما حتی در گروه مشارکت‌کنندگان مسائلی وجود دارد که باید تعریف شود، زیرا دوره‌های استفاده‌شده برای تعیین اینکه چه کسی مشارکت‌کننده فعال است، در هر کشور نسبت به کشور دیگر متفاوت است. در حقیقت، وقتی در بیشتر کشورها، دوره مرجع مابین ۱ تا ۶ ماه است، در بولیوی و مکزیک، حتی اگر شخص یکبار، از زمان شروع نظام، حق بیمه پرداخته باشد، او را به عنوان مشارکت‌کننده در نظر می‌گیرند (این به آن معنی است که اختلاف میان ثبت‌نام‌شدگان و مشارکت‌کنندگان محو خواهد شد). اندازه‌گیری پوشش سالمندان مشکلات کمتری نسبت به اندازه‌گیری پوشش برای جمعیت فعال اقتصادی دارد، زیرا حق یک فرد در دریافت مزایای بالقوه به طور واقعی اندازه‌گیری نمی‌شود، اما دریافت واقعی مزایا بررسی می‌شود. شاخص‌های رایج که در این ارتباط به کار برده می‌شود نسبت جمعیت سالمندی است که مزایای بازنشستگی یا مستمری دریافت می‌کنند. این اندازه‌گیری دارای محدودیت‌هایی برای ارزیابی افرادی است که مزایا دریافت نمی‌کنند و به کار کردن ادامه می‌دهند (و در بیشتر حالت‌ها این اشخاص ممکن است از مزایایی برخوردار شوند اما ترجیح می‌دهند دریافت آن را به تأخیر بیندازد) و در مورد ارزیابی همسران افراد ذینفع، می‌توان این‌طور گفت که اگرچه درآمد تأمین اجتماعی توسط یک فرد دریافت می‌شود، ذینفع نهایی دریافت مزایا خانوار است.

پرترانو، گروشکا و رافمن (۲۰۰۱)، سه جایگزین برای اندازه‌گیری پوشش سالمندان پیشنهاد دادند که این عوامل را در نظر دارد. بر اساس اندازه‌گیری «پوشش انفرادی» میزان جمعیتی که مزایا

1. Mesa-Lago

دریافت می‌کنند، تخمین زده می‌شود. و «پوشش مشترک» شامل همسران مستمری‌بگیر می‌شود که در بین افراد تحت پوشش قرار می‌گیرند و پوشش «اشتغال مشترک»، پوشش اشخاصی است که به صورت مستخدم در بازار کار به اتفاق همسران باقی می‌مانند. ارتباط این شاخص نهایی آن است که مکمل آن (یعنی کسانی که تحت پوشش نیستند) افرادی هستند که درآمدی از بازار کار یا نظام تأمین اجتماعی دریافت نمی‌کنند.

• مشکلات بانکهای اطلاعاتی

به طور سنتی، اندازه گیری پوشش، با فرض قابل دسترس بودن، بر اساس ثبت نام انجام می‌شود. این مسئله شیوه‌ای ساده برای نظارت بر روند پوشش در مرور زمان فراهم می‌کند، زیرا تأمین اجتماعی و نهادهای مرتبط به طور مرسوم جداول عضویت سالانه را منتشر می‌کنند. این شیوه این امکان را فراهم می‌آورد که اگر سوابق از کیفیت بالایی برخوردار باشد، سابقه کاری افراد و میزان حق بیمه‌های پرداختی مورد بررسی قرار گیرد که با ابزارهایی دیگر به دقت قابل اندازه گیری نیست. با وجود این استفاده از سوابق می‌تواند واجد مشکلات خاصی باشد. اطلاعات در مورد کشورها با نظامهای مستقل چندرکنی می‌تواند از نظر قابلیت دسترسی متفاوت باشد. کیفیت سوابق نیز می‌تواند متغیر باشد (بویژه سوابق ناصحیح و داده‌های تکراری ممکن است وجود داشته باشد). در نهایت سایر ویژگیهای جمعیت‌شناختی اجتماعی با یا بدون پوشش ممکن به سختی است از طریق این سوابق تعیین شود.

شاخص ساخته شده از داده‌های ثبت نام ممکن است به دلیل مشکلات موجود در به دست آوردن داده‌های کافی از تمام برنامه‌های تأمین اجتماعی، میزان پوشش را به درستی تخمین نزنند. جدی‌ترین مشکلات در نظامهایی دیده می‌شود که پایین‌تر از سطح ملی هستند (از قبیل صندوق‌های تأمین اجتماعی استانی در آرژانتین یا صندوق‌های تأمین اجتماعی ایالتی در برزیل) یا نظامهایی که یک شغل ویژه را تحت پوشش قرار می‌دهند (از قبیل صندوق‌های حرفه‌ای در اروگوئه، پاراگوئه یا آرژانتین، نظامهای مستخدمان دولتی در پرو و مکزیک، یا طرح‌های بازنشستگی برای ارتشیان و پلیس در تقریباً تمام کشورهای منطقه) زیرا چنین برنامه‌هایی به ندرت اطلاعات واقعی و قابل اعتمادی را ارائه می‌کنند. با فرض این حالت، یک جایگزین محتمل، شامل استفاده از داده‌های حاصل از بررسی خانوارهاست، که امکان تجزیه و

تحلیل دقیق تری از اطلاعات را فراهم آورده و تأثیر خطاهای اجرایی را کاهش می‌دهد. بررسی خانوارها، داده‌های دقیقی را در مورد تنوع جمعیت‌شناختی اجتماعی و ویژگی‌های اقتصادی جمع‌آوری کرده، امکان مقایسه بین متغیرها را فراهم آورده و اطلاعاتی را که در سوابق رسمی قابل دسترسی نیست، گردآوری می‌کند. در سالهای اخیر، مطالعات متعددی در منطقه با استفاده از این روش انجام شده، گرچه تقریباً تمام آن مطالعات مربوط به یک کشور است. در میان این کارها مطالعات موردی در آرژانتین انجام یافته است (برترانو، رافمن، گروشکا ۲۰۰۳)، برزیل (۲۰۰۴، MPS)، اکوادور (بانک جهانی، ۲۰۰۵)، پاراگوئه (گروس و آرکا، ۲۰۰۳) پرو (بانک جهانی، ۲۰۰۳) و اوروگوئه (بوچلی، ۲۰۰۴). تلاشهای چندی برای جمع‌آوری اطلاعات در مورد پوشش در سطح منطقه‌ای انجام شده که اطلاعات مشابهی را گردآوری کرده است. با وجود این، داده‌های موجود در این موارد در ویژگیهای جمعیت‌شناختی جامعه تحت پوشش و خارج از پوشش وارد جزئیات نمی‌شود. در عوض، آنها به ارائه شاخص‌های تجمعی محدود شده‌اند. در میان مهمترین کارها در این حوزه، گزارش منتشر شده توسط سازمان جهانی کار (۲۰۰۰) است که توصیف داده‌ها، حاصل از بررسی انجام شده در سال ۲۰۰۲ به وسیله پکارد^۳ است که مطالعه اخیر سابقه استخدام متمرکز است و در سال ۲۰۰۴ به وسیله گاسپرینی^۴ انجام شده است. این بررسی‌ها دارای نکاتی است، بویژه چنانچه برای مقایسه‌های بین‌المللی استفاده شوند، کیفیت ابزار و توانایی بیان آنها یکنواخت نیست. در حقیقت، تفاوتی در پوشش جغرافیایی وجود دارد (در برخی موارد بررسی‌ها به طور انحصاری شهری است، در حالی که سایر مطالعات در سطح ملی صورت گرفته است)، به علاوه تفاوتی در شیوه سؤالاتی که تنظیم شده و در فرایند مطالعات قرار گرفته وجود دارد. بنابراین باید در مورد استفاده از آنها برای تجزیه و تحلیل پوشش محتاط بود. این مقاله با توجه به روش مطالعات، جزئیات بیشتری را در هر یک از بررسی‌های به کار گرفته شده و فرایند معیارهای گزارش شده ارائه می‌کند.

۴. سنجش پوشش تأمین اجتماعی

برای اهداف این مقاله، تجزیه و تحلیلی از بررسی‌های خانوار ۱۷ کشور منطقه انجام گرفت. بررسی‌ها به سالهای ۲۰۰۳ - ۲۰۰۰ برمی‌گردد و پوشش آنها در تمام موارد بجز آرژانتین و

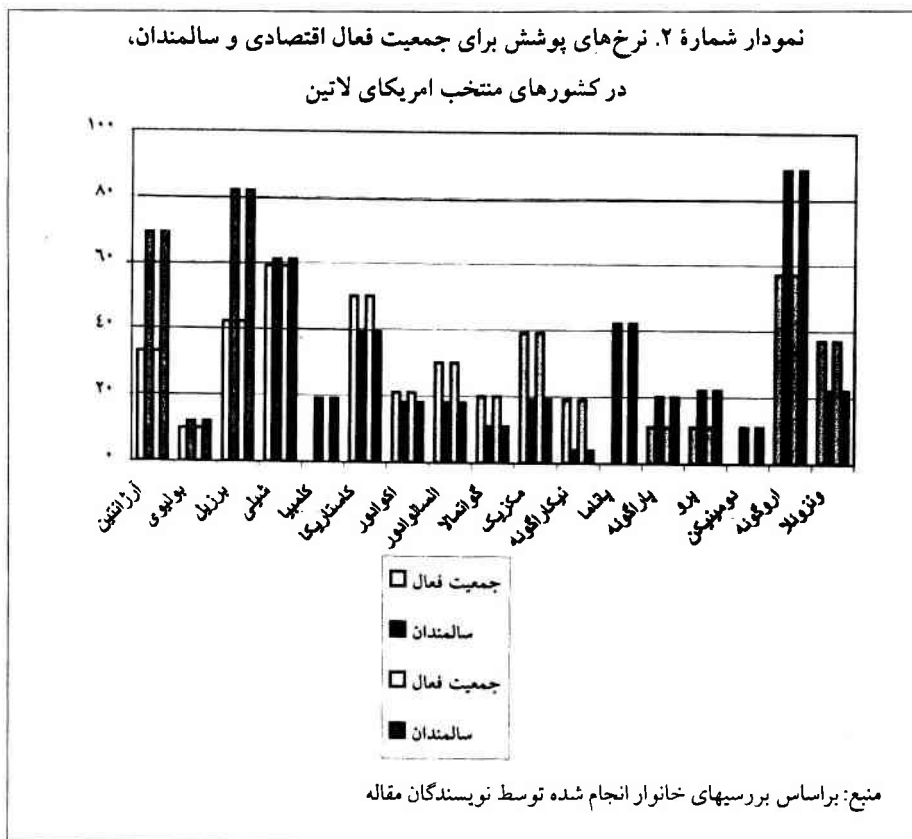
1. Grushka and Arca

2. Bucheli

3. Packard

4. Gosparini

اروگوئه، ملی است. تعریف پوشش اهدافی را دنبال می‌کند که در بخش پیشین به آن اشاره شد. این کار به وسیله سنجش نسبت جمعیت فعال اقتصادی بالای ۲۰ سال که در نظام مشارکت می‌کند، به عنوان یک شاخص پوشش در سنین فعال اقتصادی و نسبت جمعیت بالای ۶۵ سال که مزایا دریافت می‌کنند، به عنوان شاخص پوشش سالخوردگان (سالمندان) انجام شد. این معیار در تمامی موارد، با انحرافات کوچکی که به دلایل اجرایی ایجاد شده بود، به کار گرفته شد. نمودار ۲ نتایج تجمعی برای جمعیت فعال اقتصادی و سالمندان را نشان می‌دهد.



در هیچ کشوری در منطقه سطوح پوشش برای جمعیت فعال اقتصادی از ۶۰ درصد کارگران یا ۹۰ درصد افراد بالای ۶۵ سال تجاوز نمی‌کند. در ارتباط با کارگران فعال اقتصادی، گروهی از

کشورها با پوشش بین ۴۰ تا ۶۰ درصد (مکزیک، آرژانتین، ونزوئلا و السالوادور) وجود دارند، در صورتی که بقیه نرخ پوششی کمتر از ۳۰ درصد دارند. در برخی کشورها از قبیل بولیوی، پاراگوئه و پرو پوشش کارگران فعال کمتر از ۱۵ درصد است. فقط ۲ کشور برزیل و اروگوئه بیشتر از ۸۰ درصد سالمندان را تحت پوشش دارند. در مورد برزیل، درصد بالای پوشش ناشی از گسترش پوشش مستمری روستایی است که تقریباً یک نظام غیرمشارکتی پوشش دهنده کارگران روستایی است. آرژانتین و شیلی با نرخ ۷۰-۶۰ درصد و ۱۳ کشور باقیمانده سطح زیر ۵۰ درصد را تحت پوشش دارند. تعدادی از آنها (بولیوی، جمهوری دومینیکن، اکوادور، السالوادور، گواتمالا و نیکاراگوئه) حدود ۱۵ درصد یا کمتر از آن، سالمندان را تحت پوشش دارند.

نمودار شماره ۳ ابعاد مهم نظام تأمین اجتماعی منطقه را نشان می‌دهد. سطح مشارکت کارگران نظام دارای یک ارتباط واضح با پوشش سالمندان نیست. نگاهی سریع به نمودار شماره ۲ نشان می‌دهد که در برخی موارد پوشش جمعیت فعال اقتصادی نسبت به پوشش سالمندان بیشتر است، در صورتی که در موارد دیگر عکس آن صادق است. این مسئله می‌تواند ناشی از عواملی باشد که به نظر می‌رسد بلوغ نظامها نقش عمده‌ای را در این زمینه ایفا می‌کنند. در کشورهایی که نظامهای بازنشستگی به گذشته‌های دور برمی‌گردد، پوشش قانونی به مرور زمان دارای تغییرات کم یا بدون تغییر باقی مانده است و سالمندان دارای نرخ پوشش بیشتری نسبت به کارگران فعال هستند، در صورتی که در کشورهایی که مشارکت جمعیت فعال اقتصادی افزایش می‌یابد (یا ناشی از تغییراتی در نظام یا تغییراتی در بازار کار است) عکس این مسئله صادق است. این شاخص‌های تجمعی تفاوت‌های مهم میان اقشار جمعیت برحسب سن، جنس، بخش اقتصادی یا سطح اقتصادی - اجتماعی را پنهان می‌کنند. در ذیل برخی از جنبه‌های این اختلافات تشریح شده است:

• کارگران فعال

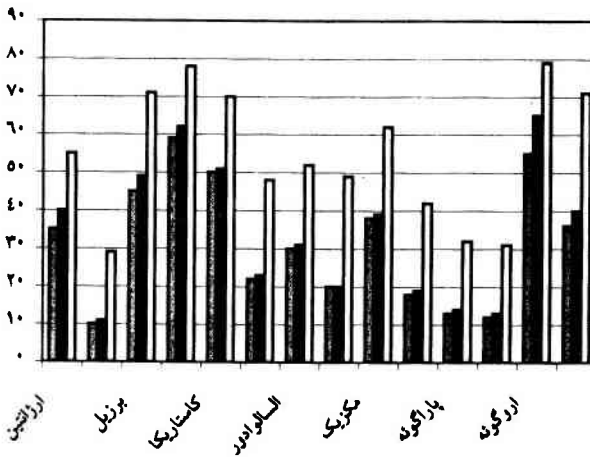
نرخ پوشش در میان کارگران فعال در نمودار شماره ۲ ارائه شده، همان‌طوری که در بخشهای قبلی اشاره شد نظامهای تأمین اجتماعی منطقه به سمت حمایت از مزدبگیران جهت یافته است، ولی نرخ بیکاری و خویش‌فرمایی (یعنی کارهای بدون دستمزد) می‌تواند بالا باشد. نمودار شماره ۳ که نرخ‌های پوشش را برای جمعیت فعال اقتصادی، استخدام‌شدگان و مزدبگیران در هر کشور نشان می‌دهد، تفاوت‌های مهمی را آشکار می‌سازد. نسبت مشارکت‌کنندگان به مستخدمان به طور متوسط ۱۰ درصد بیشتر از نسبت مشارکت‌کنندگان به کارگران فعال است. به عبارت

دیگر تفاوت بین نرخ پوشش برای افرادی که استخدام شده‌اند و نرخ پوشش مزدبگیران، به طور متوسط ۶۰ درصد بیشتر است و در برخی این نرخ دو برابر دومین نرخ است که این به دلیل نسبت کارگران خویش فرماست. فقط چهار کشور از پوشش ۷۰ درصد در میان مزدبگیران فراتر می‌روند، در صورتی که ۶ کشور نرخ زیر ۵۰ درصد دارند و این مسئله نشان می‌دهد که پوشش در منطقه نه فقط محصول بیکاری بلکه همچنین محصول درصد کارگران خویش فرماست و در عوض ویژگی‌های بازار کار نقش قابل ملاحظه‌ای را ایفا می‌کنند.

تجزیه و تحلیل اطلاعات تفاوت‌های مهمی را در بخش‌های مختلف فعالیت نشان می‌دهد. تقریباً در تمام موارد، پوشش به میزان قابل ملاحظه‌ای در میان کسانی که در بخش مقدماتی کار می‌کنند پایین‌تر از آن است، که این امر با توجه به مشکلات تجربه شده توسط نظام‌های

نمودار شماره ۳. نرخ‌های پوشش برای جمعیت فعال اقتصادی، استخدام‌شدگان

و حقوق‌بگیران در کشورهای منتخب امریکای لاتین سالهای ۲۰۰۰ - ۲۰۰۳

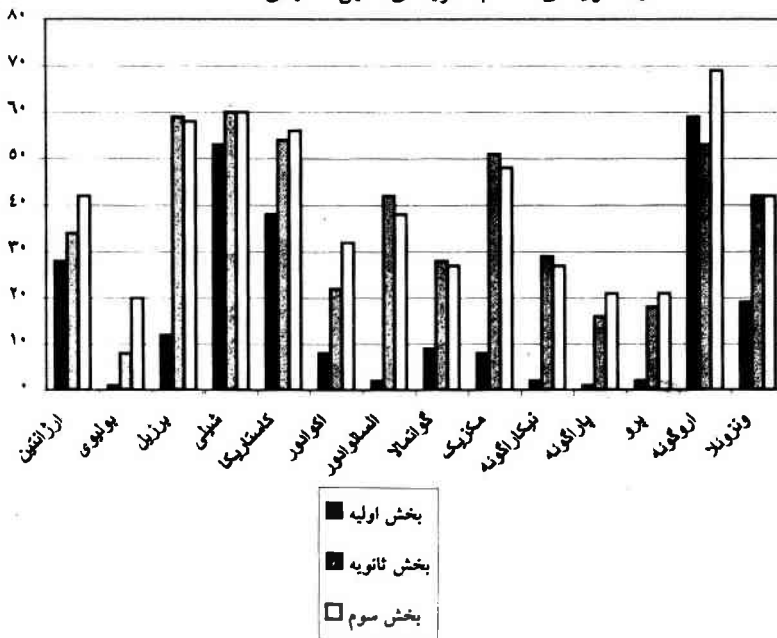


■ مشارکت کنندگان به جمعیت فعال
 ■ مشارکت کنندگان به استخدام‌شدگان
 ▨ مشارکت کنندگان به حقوق‌بگیران

منبع: براساس بررسی‌های خانوار انجام شده توسط نویسندگان مقاله

تأمین اجتماعی سستی در پوشش جمعیت روستایی قابل توجه است. با عنایت به تفاوت بین بخشهای دوم و سوم، نمودار شماره ۴ نشان می‌دهد که تفاوت‌ها برای بخش سوم جزئی یا قابل قبول است؛ مشابه کشورهای آرژانتین، بولیوی، اکوادور، پاراگوئه، پرو و اروگوئه. یکی از دلایل پایداری سود صندوق‌ها نرخ پوشش مزدبگیران است، بسته به اینکه آنها در بخش دولتی یا خصوصی کار می‌کنند. معمولاً تصور می‌شود که نرخ پوشش در بین مزدبگیران بخش دولتی نزدیک به ۱۰۰ درصد باشد، با وجود این همیشه این‌طور نیست. گرچه بخشی از شکاف را می‌توان از طریق مشکلات پژوهشها توضیح داد (شامل خطاها در گزارش دهی)، نرخ پوشش پایین در بخش دولتی چند کشور نشان می‌دهد که مشکل عدم رسمی‌سازی واقعی در این بخش وجود دارد. این نرخ‌ها بویژه در کشورهای آرژانتین، بولیوی و پرو که درصد مزدبگیران

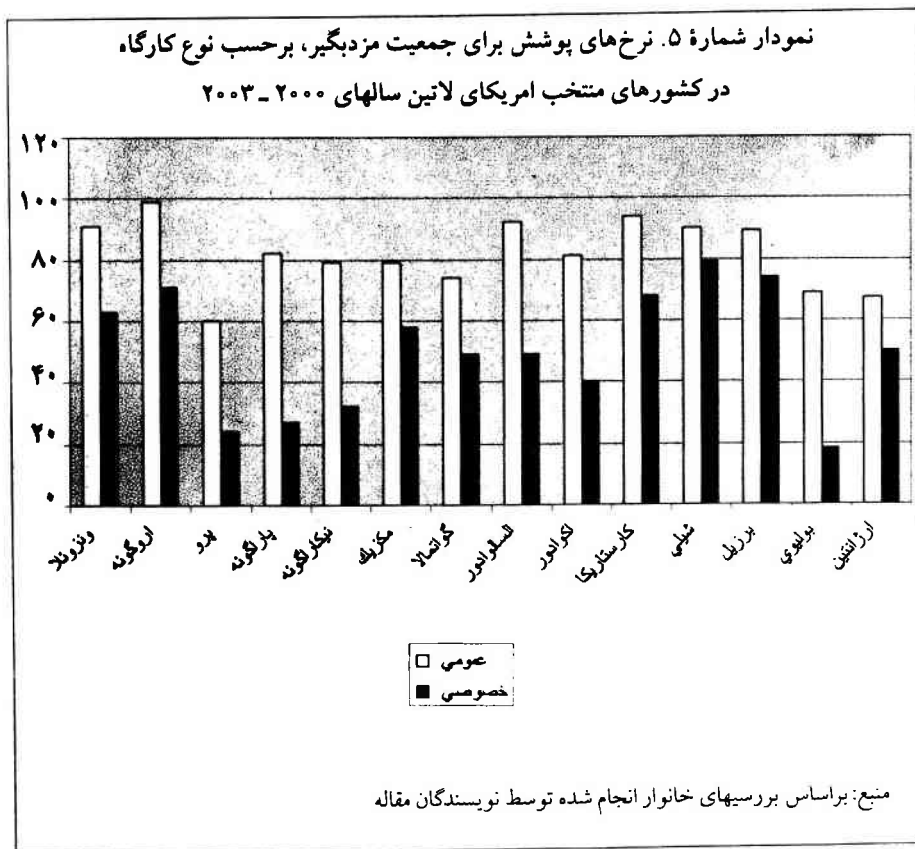
نمودار شماره ۴. نرخ‌های پوشش برای جمعیت استخدام‌شده، برای هر بخش اقتصادی در کشورهای منتخب امریکای لاتین سالهای ۲۰۰۳ - ۲۰۰۰



منبع: براساس بررسیهای خانوار انجام شده توسط نویسندگان مقاله

بخش دولتی آنها دارای پوشش تأمین اجتماعی کمتر از ۷۰ درصد است پایین تر است، در صورتی که در ۵ کشور دیگر دامنه نرخ پوشش بین ۷۰ تا ۹۰ درصد است، فقط شیلی، کاستاریکا، السالوادور، اروگوئه و ونزوئلا از ۹۰ درصد فراتر می روند.

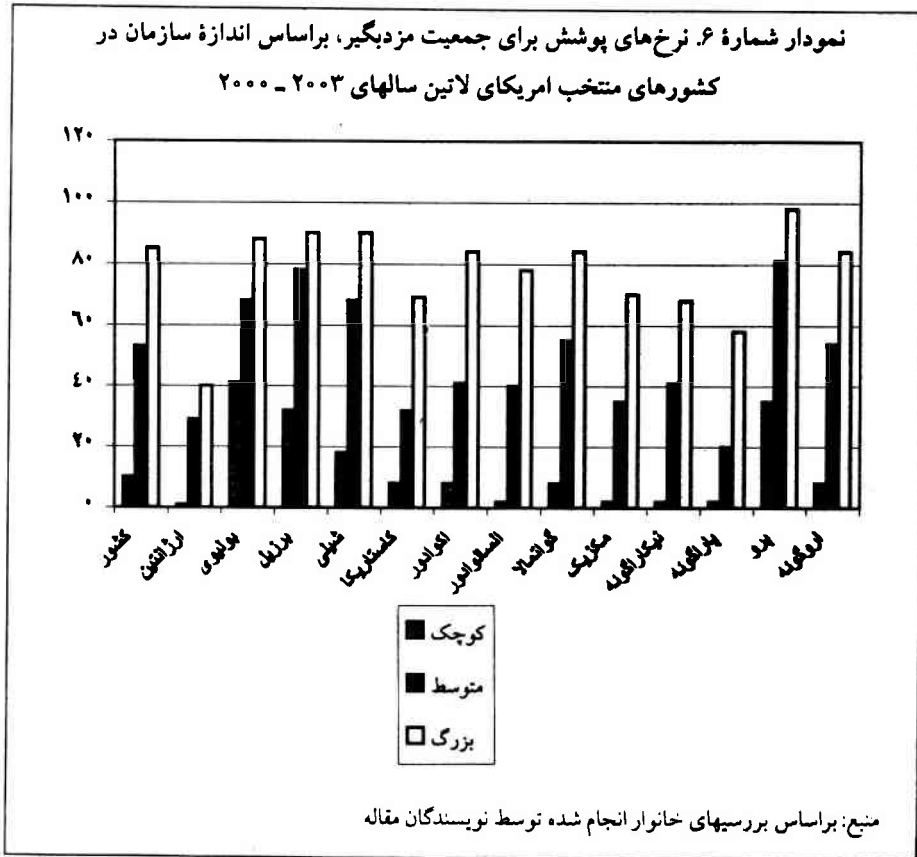
اندازه محل کار یک تعیین کننده بنیادی در درجه پوشش مزدبگیران است. پوشش کارگاه های بزرگ بین ۳ و ۳۰ برابر بیشتر از کارگاه های کوچک است.^۱ صرفاً ۲ کشور (بولیوی و پرو)



۱. هدف این تجزیه و تحلیلها، درک این مطلب است که کارگاه های کوچک بیش از ۵ نفر کارگر را به خدمت می گیرند. کارگاه های در سطح متوسط بین ۶ و ۵۰ نفر کارگر را به خدمت می گیرند و کارگاه های بزرگ بیش از ۵۰ نفر کارگر را به خدمت می گیرند. لذا برحسب اطلاعات به دست آمده در حالت های مختلف، نیاز است محدوده مابین اندازه متوسط و بزرگ کارگاه ها را باز تعریف نماییم. (میزان آن در آرژانتین ۴۰ کارگر، در پرزیل ۱۰ کارگر و در کاستاریکا و ونزوئلا ۲۰ کارگر است).

نرخهای پوشش کارگاه‌های بزرگشان زیر ۶۰ درصد است، در حالی که هیچ کشوری نرخ پوششی بیش از ۴۰٪ را برای کارگاه‌های کوچک ندارد. (جدول شماره ۵)

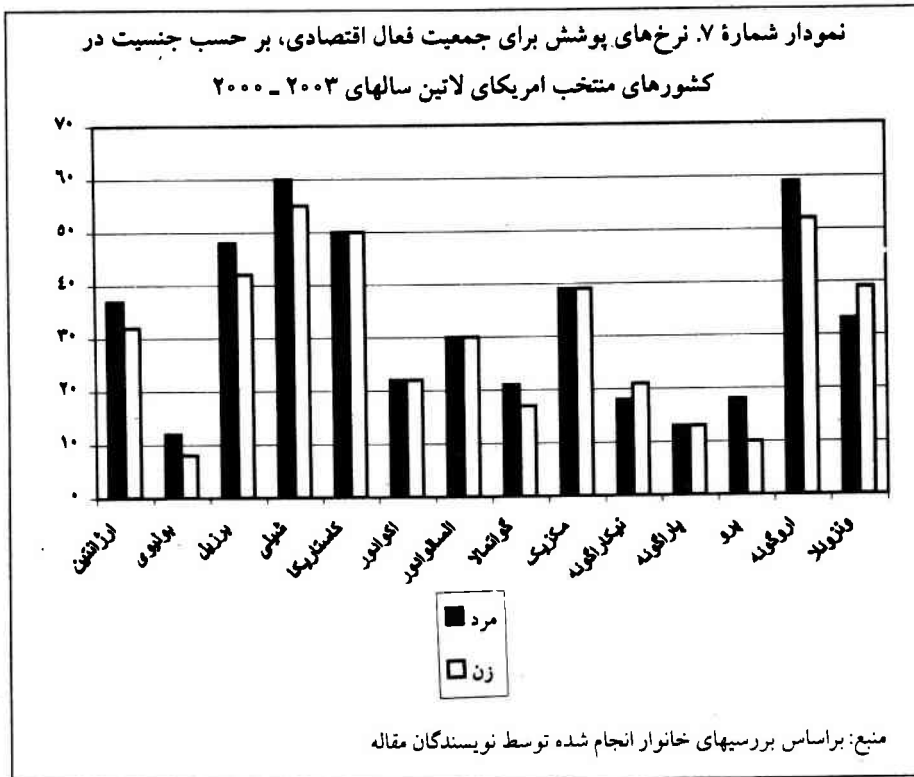
این اطلاعات بیانگر پشتیبانی از فرضیه‌هایی است که کارگاه‌های بزرگ گرایش به رسمی شدن دارند (و بنابراین گرایش به رسمیت دادن به نیروی کار دارند) در حالی که کارگاه‌های کوچک اساساً غیررسمی هستند.



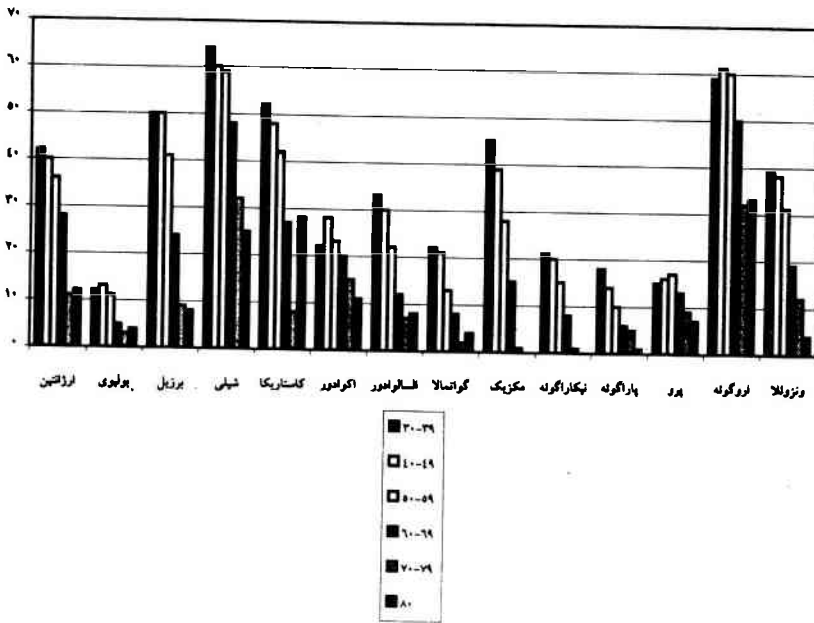
همان‌طور که ویژگی‌های رابطه نیروی کار و کارفرما تأثیر مرتبطی بر سطح پوشش دارد، خصوصیات جمعیت‌شناختی افراد می‌تواند تعیین‌کننده باشد. در این تجزیه و تحلیل‌ها، جنسیت،

سن و سطوح درآمدی کارگران در نظر گرفته می‌شود.

تفاوت در پوشش بر اساس جنسیت، اندک و فاقد شفافیت است. در حقیقت در بسیاری موارد مزیت اندکی برای مردان و در سایر موارد برای زنان دیده شده است. به عبارت دیگر وقتی تفاوتها را براساس سن در نظر می‌گیریم، ملاحظه می‌شود که بالاترین نرخ‌های پوشش در بیشتر موارد در میان کارگران بین ۳۰ و ۳۹ ساله است، پس از آن نرخ پوشش کاهش می‌یابد. اروگونه وضعیت متفاوتی دارد، چراکه پوشش بالای کارگران بین سنین ۳۰ و ۶۰ سال تقریباً ثابت مانده است، در صورتی که در سایر موارد از قبیل کاستاریکا، مکزیک و نیکاراگوئه این حالت در میان کارگران بین سنین ۲۰ و ۳۰ سال دیده می‌شود. پوشش پایین‌تر در میان جمعیت جوانتر با سایر یافته‌های موجود در مقاله سازگار است و نشان می‌دهد که فاصله سنی بیشتر از هر چیزی تحت تأثیر بیکاری و احتمالاً کار در بخش غیررسمی قرار گرفته است.



نمودار شماره ۸. نرخ‌های پوشش برای جمعیت فعال اقتصادی، بر حسب سن در کشورهای منتخب امریکای لاتین سالهای ۲۰۰۳ - ۲۰۰۰

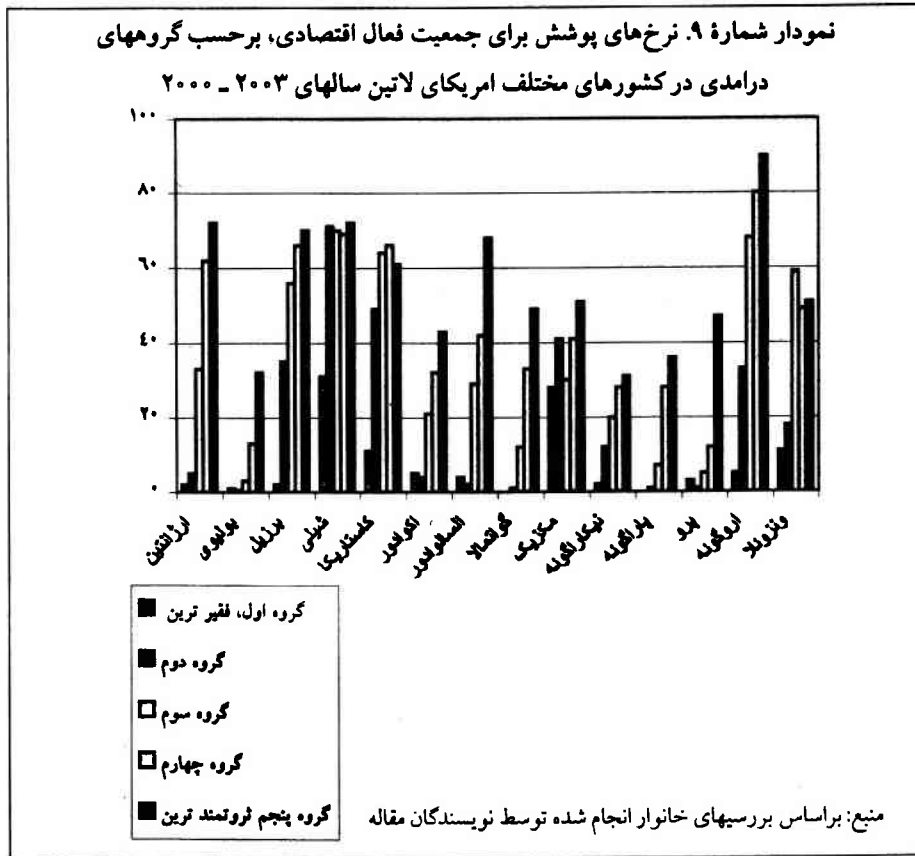


منبع: براساس بررسیهای خانوار انجام شده توسط نویسندگان مقاله

یک عامل پایدار که توجه ویژه‌ای را به خود جلب کرده پوشش بر اساس سطوح درآمدی است. همان طور که در بالا اشاره شد، یکی از اهداف اصلی نظامهای تأمین اجتماعی حمایت از کارگران بازنشسته در مقابل فقر است. به منظور دستیابی به این هدف، یک الگوی مشارکتی نیازمند مشارکت فقیرترین بخشها در برنامه در طول عمر فعال اقتصادی‌شان است. تا اینکه بعداً از مزایای آن بهره‌مند شوند.

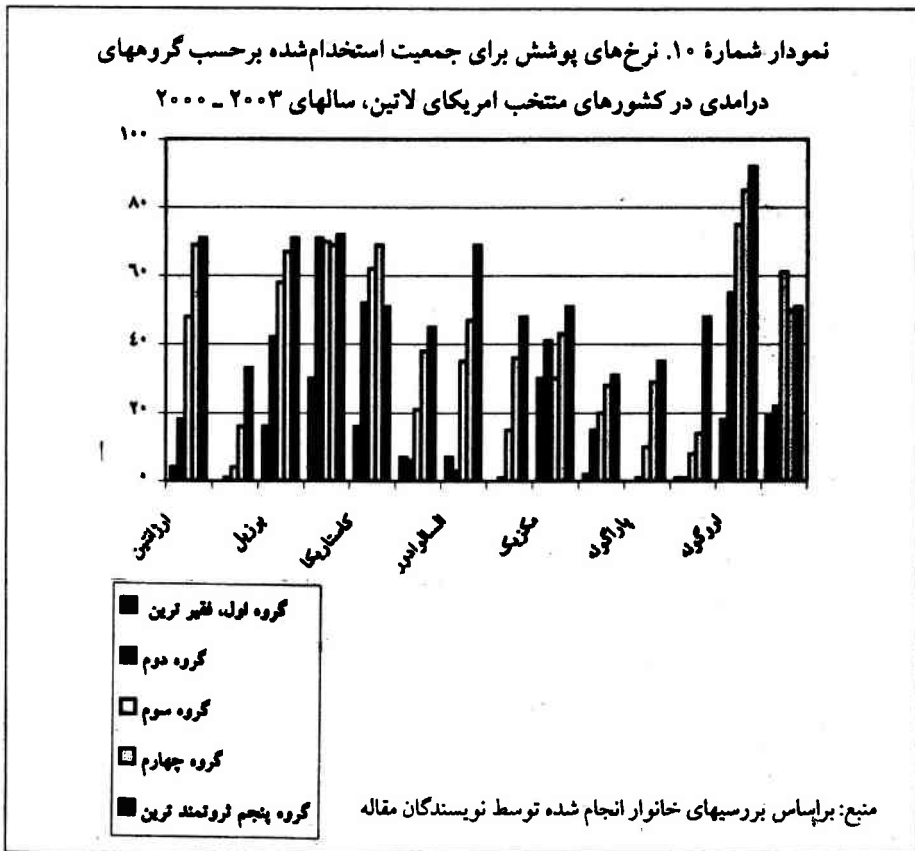
نمودار ۹ پوشش نظامها را در میان کارگران فعال اقتصادی بر اساس صدکهای درآمدی نشان می‌دهد (بر اساس درآمد شخصی کارگران). نمودار ۱۰ همان اطلاعات را برای کارگران استخدام‌شده ارائه می‌دهد. تفاوت میان دو نمودار این است که نمودار ۹ شامل کارگرانی است که از

نظر اقتصادی فعال هستند، ولی استخدام نشده‌اند و در بیشتر موارد هیچ درآمدی ندارند و با فرض اینکه در نظام‌های مشارکتی هستند هیچ پوششی ندارند. نمودار ۱۰ فقط کسانی را در نظر می‌گیرد که به طور واقعی کار می‌کنند و بنابراین به طور فرضی درآمدی دریافت می‌کنند.



گفتنی است تفاوت میان دو نمودار ناچیز است. این نشان می‌دهد که نظام‌های تأمین اجتماعی دچار نابرابری‌های عمده‌ای برحسب دسترسی، حتی بدون در نظر گرفتن وضعیت بیکاری، هستند. به طور متوسط پوشش در میان کارگران استخدامی بالاترین ۲ صدک تقریباً ۳ برابر پایین‌ترین ۲ صدک است. در شدیدترین حالت، پوشش ثروتمندترین کارگران، ۵ برابر پوشش فقرا است و این

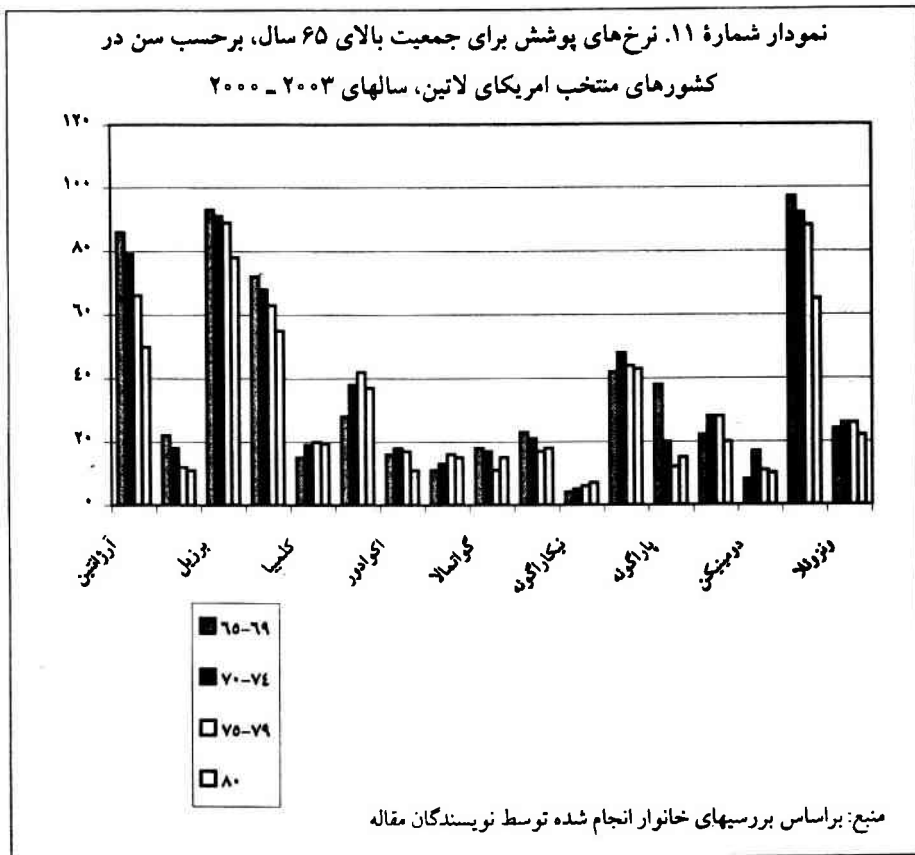
رقم به ۳۷ برابر در پاراگوئه می‌رسد (پوشش فقیرترین کارگران استخدام‌شده فقط ۰/۱ درصد است). از سوی دیگر در انتهای طیف، مکزیک قرار دارد که پوشش ۲ صدک ثروتمندترین ۳۰ درصد بالاتر از ۲ صدک فقیرترین است.



• سالمندان

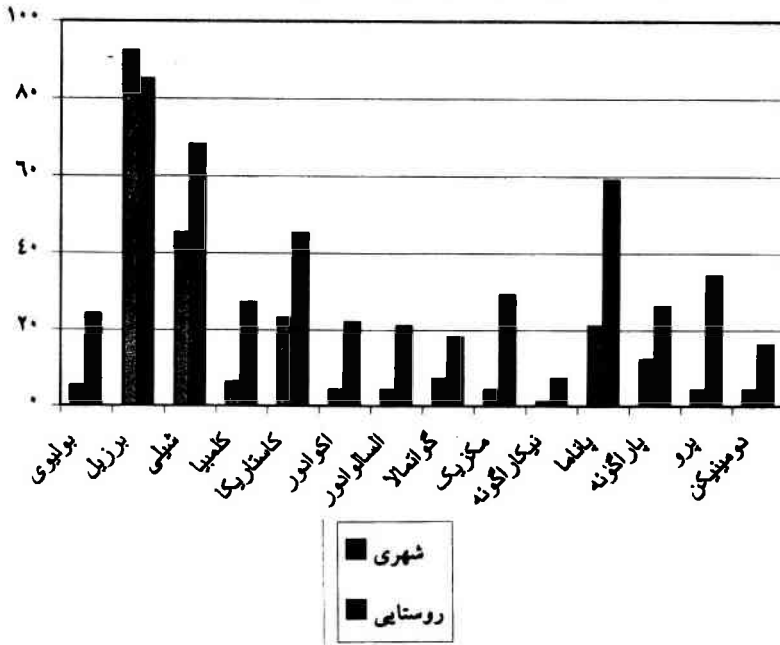
برخلاف سنجش پوشش جمعیت فعال اقتصادی، اندازه‌گیری پوشش سالمندان که به تازگی بازار کار را ترک کرده‌اند، ساده‌تر است. با فرض اینکه در این مرحله مزایای بالقوه دقیق نیست ولی در عوض مزایا واقعاً دریافت می‌شود، فقط لازم است نسبت سالمندانی را که مزایای مستمری یا بازنشستگی دریافت می‌کنند، به منظور ارزیابی پوشش در نظر بگیریم.

نمودار ۲ به طور مدلی نرخهای بالا را در برزیل و اروگوئه نشان می‌دهد (تقریباً ۹۰ درصد)، نرخهای پایین‌تر در آرژانتین و شیلی (نزدیک ۷۰ درصد) و به طور هشداردهنده‌ای نرخهای پایین در سایر کشورها، کمتر از ۵۰ درصد جمعیت بالای ۶۵ سال را در برمی‌گیرد. در ورای این نرخها تفاوت‌های چشمگیری وجود دارد که باید مورد توجه قرار گیرد. برای مثال تقریباً در تمام کشورها، پوشش با سن افزایش پیدا می‌کند زیرا برخی کارگران، بازنشستگی خود را به تأخیر می‌اندازند. با این حال این مسئله در هر کشوری مصداق پیدا نمی‌کند و موارد متعددی دیده شده است که فقدان شدید حمایت را از سالمندان نشان می‌دهد.



پوشش نظامهای مستمری رسمی، از آنجایی که به مشارکت گذشته بازار اشتغال رسمی مرتبط است، به روشنی ماهیت شهری دارد. در میان کشورهایی که بررسی‌های آنها حوزه‌های سکونت سالمندان را نشان می‌دهد، ملاحظه می‌شود که نسبت سالمندانی که در شهرها مزایا دریافت می‌کنند چند برابر بیشتر از نسبت سالمندانی است که در نواحی روستایی سکونت دارند. تنها استثنای موجود برزیل است که برنامه‌های مزایای بازنشستگی روستایی آن دارای ماهیت شبه غیرمشارکتی است و نرخ پوشش بالای ۹۰ درصد را برای حومه شهر ایجاد کرده است.

نمودار شماره ۱۲. نرخ‌های پوشش برای جمعیت بالای ۶۵ سال، بر اساس منطقه سکونت در کشورهای منتخب امریکای لاتین، سالهای ۲۰۰۳ - ۲۰۰۰



منبع: براساس بررسیهای خانوار انجام شده توسط نویسندگان مقاله

نقش مزایای غیرمشارکتی یا شبه غیرمشارکتی در پوشش سالمندان در کشورهای متعدد اهمیت بسزایی دارد. شواهد موجود نشان می‌دهد که این مزایا به میزان قابل توجهی در تمام

بررسی‌های استفاده شده، گزارش نشده‌اند. برای مثال، پوشش زیاد در میان سالمندان برزیلی در مناطق روستایی نشان می‌دهد که در آن کشور مستمری‌های روستایی به عنوان مزایای تأمین اجتماعی در نظر گرفته شده بودند. مورد مشابه در آرژانتین با مستمری‌های غیرمشارکتی^۱ دیده می‌شود. برنامه‌های مشابه دیگری به عنوان Bonosol در بولیوی، برنامه‌ای در شیلی^۲ یا وام توسعه انسانی در اکوادور وجود دارند که نقش قابل ملاحظه‌ای را ایفا می‌کنند. اما بررسی‌های موجود آنها را به عنوان بخشی از نظام تأمین اجتماعی در نظر نمی‌گیرند. نمودار شماره ۱۳ نتایج تغییرات پوشش سالمندان را نشان می‌دهد، در صورتی که مزایایی در آن کشور (اکوادور، بولیوی، شیلی) در نظر گرفته شده باشد.

در بولیوی، در نظر گرفتن مزایایگیران Bonosol اثر عمده‌ای دارد. با این فرض که این برنامه تقریباً همگانی است، پوشش اشخاص بالای ۶۵ سال از ۴۷ درصد به ۷۲ درصد افزایش خواهد یافت. از آنجایی که هیچ ناسازگاری بین نگرش‌های مشارکتی و غیرمشارکتی وجود ندارد، تقریباً ۸۰ درصد بازنشستگان مزایای Bonosol را دریافت می‌کنند. در اکوادور این اثرات شدید نیست، زیرا وام توسعه انسانی از نظر قلمروی پوشش محدودتر است. نزدیک به ۲۰ درصد از اشخاص بالای ۶۵ سال مزایا می‌گیرند (در میان آنها ۱/۵ درصد سالمندان در هر دو شکل مزایا دریافت می‌کنند) که بیانگر نرخ پوشش ۳۴ درصدی است. در نهایت برنامه PASIS در شیلی مزایای ۱۳ درصد از اشخاص بررسی شده را بدون تکرار مزایا فراهم می‌کند. بنابراین پوشش از ۶۳/۸ درصد به ۷۶ درصد افزایش می‌یابد. اگرچه برای تحلیل کامل پوشش تأمین اجتماعی باید گروه‌های ذینفع این برنامه‌ها را نیز مشمول کرد، ملاحظه این مسئله مهم است که میزان این مزایا به مقدار قابل توجهی پایین‌تر از مزایای مستمری سنتی است و گسترش نقش آنها در ارائه حمایت اجتماعی نسبی است. بنابراین به منظور حذف ناهماهنگی‌ها با سایر کشورها، تجزیه و تحلیل با پذیرش تعاریف پوشش از سؤالات پایه پژوهش انجام گرفت.

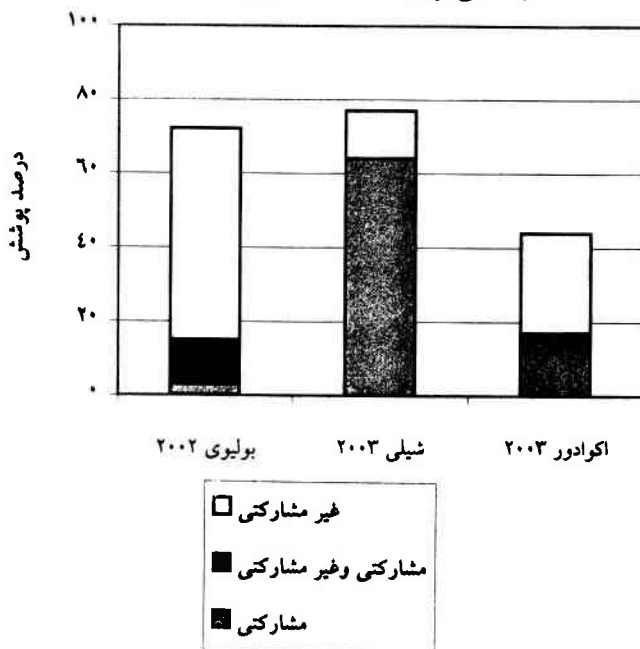
اهمیت پوشش تأمین اجتماعی در سن پیری، نقش نظام تأمین اجتماعی را در کاهش و بهبود جریان‌ات مالی (نقدینگی) برای سالمندان بیان می‌کند. به هر حال این تعریف برای ارزیابی مشکل است، به این دلیل که اطلاعات قابل دسترسی بررسی‌های خانوار در مورد فقر به درآمد جاری محدود است. به علاوه با فرض اینکه دریافت مزایای بازنشستگی در خانواده‌هایی که یک

1. pension no gntributivas (PNC)

2. pensiones asistenciales-welfare pensions (PASIS)

نمودار شماره ۱۳. نرخ‌های پوشش برای سالمندان، با لحاظ برنامه‌های مددکاری

اجتماعی برای سالمندان، سالهای ۲۰۰۳ - ۲۰۰۰



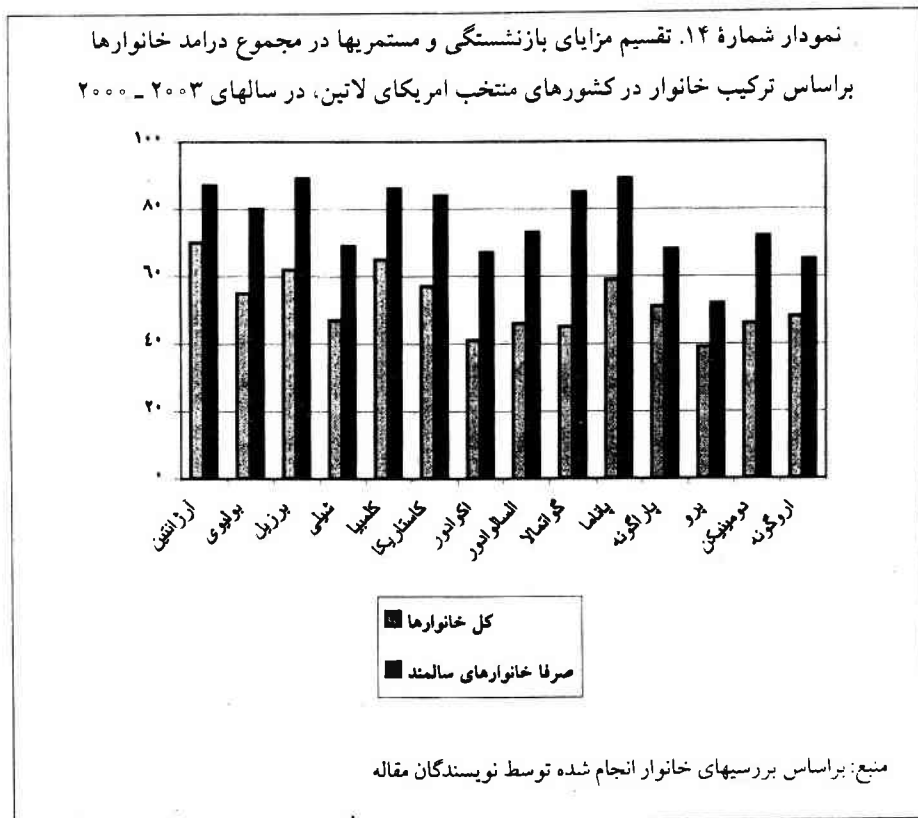
منبع: براساس بررسیهای خانوار انجام شده توسط نویسندگان مقاله

سالمند دارند یک بخش عمده کل درآمد است. سنجش رابطه بین فقر و پوشش تکرار مکرر خواهد بود، زیرا احتمالاً آنهایی که تحت پوشش نیستند فقیرند، چون مزایای بازنشستگی دریافت نمی‌کنند. در عوض، جالب است که اهمیت مزایای بازنشستگی را در خانوارهایی که این درآمد را دریافت می‌کنند، ارزیابی کنیم. نمودار شماره ۱۴ نسبت درآمد کل خانوار حاصل از مزایای بازنشستگی را برای تمام خانوارها با حداقل یک مقرری بگیر و برای خانوارهای با اعضای بالای ۶۵ سال و بیشتر نشان می‌دهد. در حالت اول، درآمد حاصل از مزایای تأمین اجتماعی بین ۳۸/۴ درصد (در پرو) تا ۷۰/۶ درصد (در آرژانتین) از درآمد کل است، در صورتی که در مورد خانوارهای سالمند دامنه مزایا (از ۵۲ درصد (در پرو) به ۸۹ درصد (در برزیل) می‌رسد.

این اطلاعات شاخص عمق پوشش را نشان می‌دهد و در حقیقت نه تنها مزایایی را که سالمندان

از آن برخوردار می‌شوند، به تصویر می‌کشد، بلکه همچنین نقشی را که این مزایا در ساختار درآمدی‌شان ایفا می‌کند به نمایش می‌گذارد.

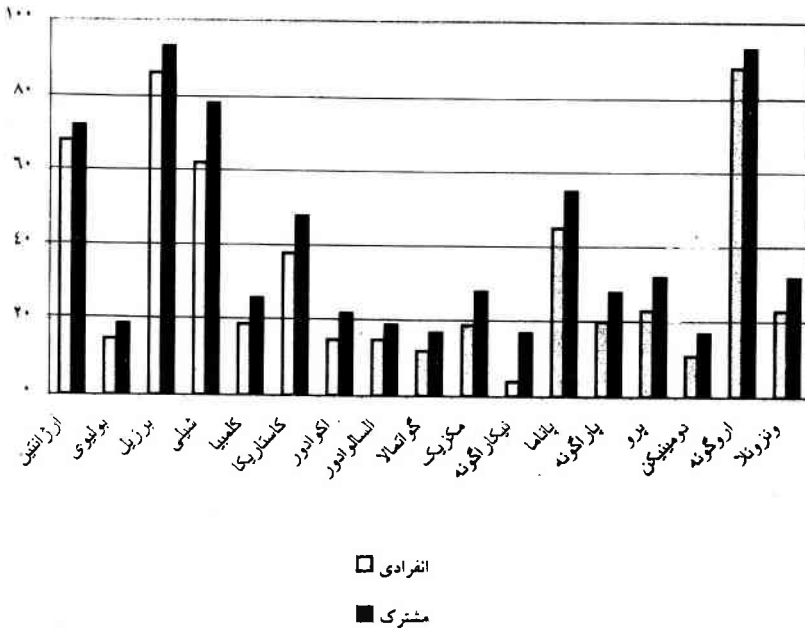
در نهایت ممکن است پوشش به عنوان مزایای خانوار دقیقاً برخلاف مزایای انفرادی در نظر گرفته شود. طبق این گفته شاخص «پوشش مشترک»، بر اساس روش پیشنهادی (برترانو، گروشکا و رافمن، ۲۰۰۱)، محاسبه می‌شود. این شاخص در صد سالمندانی را که در یک خانوار هستند، نشان می‌دهد که در آن حداقل یک واحد مزایای تأمین اجتماعی دریافت می‌شود. «پوشش مشترک» طبق این تعریف، تا حدودی بالاتر از پوشش انفرادی است، زیرا شامل تمام مزایاگیران و وابستگان ۶۵ سال و بالاتر است. این تأثیر در تمام کشورهای مشابه با افزایش رشد پوشش از ۴ تا ۱۴ درصد همراه است.



۵. خلاصه و نتیجه گیری

ارقام ارائه شده در این مقاله به روشنی نشان می دهد که بیشتر کشورهای منطقه دارای مشکلات جدی در دستیابی به اهداف اساسی نظامهای تأمین اجتماعی هستند. فقط ۳ کشور از ۱۷ کشور مورد بررسی حمایتهای مؤثری را برای بیش از یک سوم جمعیت سالمندان ارائه می دهند، در صورتی که ۱۰ کشور در منطقه کمتر از یک چهارم جمعیت را تحت حمایت دارند.

نمودار شماره ۱۵. پوشش انفرادی و مشترک در کشورهای منتخب امریکای لاتین در سالهای ۲۰۰۳ - ۲۰۰۰



منبع: براساس بررسیهای خانوار انجام شده توسط نویسندگان مقاله

جدول شماره ۱. نرخهای پوشش برای جمعیت فعال اقتصادی و سالمندان،
برحسب شاخص‌های جانشینی

کشور	مشارکت‌کننده / جمعیت فعال اقتصادی	مشارکت‌کنندگان / پرسنل استخدام شده	مشارکت‌کنندگان / مزدبگیران	مستمری‌بگیران / جمعیت بالای ۶۵ سال سن
آرژانتین (۲۰۰۳)	۳۴/۶	۴۰/۳	۵۴/۷	۶۸/۳
بولیوی (۲۰۰۲)	۹/۹	۱۰/۹	۲۹	۱۴/۷
برزیل (۲۰۰۱)	۴۵/۱	۴۹	۷۱/۵	۸۵/۹
شیلی (۲۰۰۳)	۵۸/۲	۶۳/۴	۷۷/۳	۶۳/۸
کلمبیا (۲۰۰۳)	—	—	—	۱۸/۶
کاستاریکا (۲۰۰۰)	۵۰/۱	۵۲/۱	۷۰/۸	۳۶/۶
جمهوری دومینیکن (۲۰۰۳)	—	—	—	۱۰/۹
اکوادور (۲۰۰۳)	۲۱/۹	۲۳/۳	۴۶/۸	۱۵/۲
السالوادور (۲۰۰۰)	۲۹/۷	۳۱/۶	۵۲/۹	۱۴/۵
گواتمالا (۲۰۰۰)	۱۹/۶	۱۹/۹	۴۸/۳	۱۱/۳
مکزیک (۲۰۰۰)	۳۸/۵	۳۹/۳	۶۲/۲	۱۹/۲
نیکاراگوئه (۲۰۰۱)	۱۸/۷	۱۹/۴	۴۱/۹	۴/۷
پاناما (۲۰۰۱)	—	—	—	۴۵
پاراگوئه (۲۰۰۱)	۱۳/۹	۱۴/۸	۳۲/۵	۱۹/۶
پرو (۲۰۰۲)	۱۳/۹	۱۴/۴	۳۱/۳	۲۳/۷
اروگوئه (۲۰۰۲)	۵۵/۳	۶۵	۷۸/۶	۸۷/۱
ونزوئلا (۲۰۰۰)	۳۵/۱	۴۰	۷۱/۵	۲۳/۹

منبع: براساس بررسیهای خانوار انجام شده توسط نویسندگان مقاله

جدول شماره ۲. نرخهای پوشش برای جمعیت فعال اقتصادی (مشارکت‌کنندگان / جمعیت فعال اقتصادی)، برحسب سن

کودک / سن	مشارکت‌کنندگان / جمعیت فعال اقتصادی					
	۲۰-۲۹	۳۰-۳۹	۴۰-۴۹	۵۰-۵۹	۶۰-۶۹	۷۰-۷۹
آزادتنین	۷۷/۱	۴۲/۱	۴۰/۱	۳۵/۷	۲۸/۱	۱۰/۸
بولبری	۷	۱۲/۱	۱۳/۱	۱۱/۴	۶/۶	۵
برزیل	۴۴/۱	۴۹/۹	۵۰/۱	۴۰/۹	۳۴/۵	۸/۸
شیلی	۵۴/۹	۶۳/۲	۵۹/۹	۵۸/۶	۴۷/۲	۳۲/۷
کاستاریکا	۵۶/۱	۵۳/۶	۴۸	۴۲/۵	۳۵/۶	۲۵/۸
اکوادور	۱۷/۸	۲۳	۲۷	۲۳/۵	۲۰/۱	۱۴/۷
السالوادور	۳۳۰۸	۳۴/۹	۳۰/۲	۲۳/۴	۱۲/۷	۷/۲
گواتمالا	۲۴/۲	۲۱/۴	۲۰/۹	۱۳/۳	۷/۷	۴/۲
مکزیک	۴۴/۳	۴۴/۹	۳۹/۱	۲۸/۱	۱۵/۴	۰/۹
نیکاراگوئه	۱۹/۹	۲۱/۹	۱۹/۷	۱۵/۳	۷/۳	۰/۵
پاراگوئه	۱۳/۹	۱۸/۱	۱۴/۹	۹/۸	۵/۴	۳/۸
پرو	۹/۴	۱۶	۱۶/۵	۱۷	۱۳/۴	۹/۶
اروگوئه	۴۵/۸	۵۸/۸	۶۱/۱	۶۰/۲	۵۰/۱	۳۲/۴
ونزوئلا	۳۴/۳	۳۸/۹	۳۷/۸	۳۱/۸	۱۸/۶	۱۳/۱
جمع	۸۰	۸۰	۸۰	۸۰	۸۰	۸۰

منبع: براساس بررسیهای خانوار انجام شده توسط نوبستندگان مقاله

جدول شماره ۳. نرخهای پوشش جمعیت فعال اقتصادی (مشارکت‌کنندگان/ جمعیت فعال اقتصادی) و

سالمندان (مستمری‌بگیران/ جمعیت ۶۵ سال سن یا سالمندان)، بر حسب جنسیت

سالمندان		جمعیت فعال اقتصادی		کشور
مرد	زن	مرد	زن	
۷۴/۳	۶۴/۲	۳۶/۴	۳۲/۳	آرژانتین
۱۶/۱	۱۲/۷	۱۲/۲	۷/۶	بولیوی
۸۰	۷۶/۴	۴۶/۸	۴۲/۷	برزیل
۷۲/۶	۵۷/۲	۶۰/۴	۵۴/۷	شیلی
۲۲/۹	۱۳/۱	—	—	کلمبیا
۵۹/۸	۷۵/۵	۵۰/۴	۴۹/۷	کاستاریکا
۱۵/۵	۵/۹	—	—	جمهوری دومینیکن
۱۷/۳	۱۰/۸	۲۲	۲۱/۸	اکوادور
۱۸	۹/۶	۲۹/۵	۲۹/۹	السالوادور
۱۷	۴/۶	۲۱/۶	۱۶/۱	گواتمالا
۱۷/۸	۱۸	۳۸/۴	۳۸/۵	مکزیک
—	—	۱۶/۹	۲۱/۵	نیکاراگوئه
۵۲	۴۸/۲	—	—	پاناما
۱۸/۹	۱۴/۵	۱۳/۹	۱۳/۸	پاراگوئه
۲۷/۷	۱۴/۶	۱۶/۴	۱۰/۸	پرو
۷۶/۹	۷۸/۹	۵۷/۸	۵۲/۴	اروگوئه
۲۶/۷	۱۸	۳۳/۳	۳۸/۱	ونزوئلا

منبع: براساس بررسیهای خانوار انجام شده توسط نویسندگان مقاله

جدول شماره ۴. نرخهای پوشش جمعیت فعال اقتصادی (مشارکت‌کنندگان/ جمعیت فعال اقتصادی) و سالمندان و (مستمری‌بگیران/ جمعیت دارای سن ۶۵ سال و سالمندان)، برحسب منطقه سکونت

سالمندان		جمعیت فعال اقتصادی		کشور
شهری	روستایی	شهری	روستایی	
۲۴/۴	۵/۱	۱۴/۲	۲/۵	بولیوی
۸۴/۶	۹۲	۵۰/۵	۱۷/۶	برزیل
۶۷/۷	۴۵/۲	۶۰/۲	۴۳/۵	شیلی
۲۷/۲	۶/۲	—	—	کلمبیا
۴۴/۷	۲۳	۵۵/۶	۴۱	کاستاریکا
۱۵/۵	۳/۷	—	—	جمهوری دومینیکن
۲۲/۲	۴/۹	۲۹/۱	۶/۷	اکوادور
۲۰/۵	۴/۲	۳۸/۵	۱۲/۷	السالوادور
۱۶/۸	۶/۹	۲۹	۱۱/۶	گواتمالا
۲۸/۸	۴/۸	۴۷/۴	۹/۷	مکزیک
۶/۶	۱/۷	۲۴/۹	۸	نیکاراگوئه
۵۸/۶	۲۰/۶	—	—	پاناما
۲۵/۷	۱۱/۳	۲۰	۵/۴	پاراگوئه
۳۴/۲	۴	۱۹	۳/۸	پرو

منبع: براساس بررسیهای خانوار انجام شده توسط نویسندگان مقاله

جدول شماره ۵. نرخهای پوشش جمعیت فعال اقتصادی (مشارکت‌کنندگان/ جمعیت فعال اقتصادی)، برحسب صدک‌های درآمدی

مشارکت‌کنندگان/ جمعیت فعال اقتصادی بالای سن ۲۰ سال						کشور
جمع	۲۰ درصد پنجم	۲۰ درصد چهارم	۲۰ درصد سوم	۲۰ درصد دوم	۲۰ درصد اول	
۳۴/۶	۷۱/۸	۶۱/۶	۳۲/۸	۵/۵	۱/۹	آرژانتین
۹/۹	۳۲/۴	۱۲/۲	۲/۹	۰/۵	۱/۴	بولیوی
۴۵/۱	۷۱/۲	۶۵/۶	۵۵/۷	۳۵	۲	برزیل
۵۸/۲	۷۲/۴	۶۷/۵	۷۰/۲	۷۰/۹	۳۳/۳	شیلی
۵۰/۱	۶۱/۹	۶۶/۵	۶۴/۹	۴۷/۹	۱۱/۳	کاستاریکا
۲۱/۹	۴۴/۸	۳۴	۲۱/۱	۶/۲	۶/۴	اکوادور
۲۹/۷	۶۷/۴	۴۴/۴	۲۹/۱	۲/۶	۵/۱	السالوادور
۱۹/۶	۴۷/۵	۳۵/۱	۱۳/۹	۱/۵	۰/۴	گوآتمالا
۳۸/۵	۵۱/۶	۴۱/۸	۳۰/۲	۴۲	۲۷/۱	مکزیک
۱۸/۷	۳۰/۹	۲۶/۵	۱۹/۶	۱۲/۵	۳/۴	نیکاراگوئه
۱۳/۹	۳۵/۷	۲۶/۱	۶۰۶	۰/۸	۰/۱	پاراگوئه
۱۳/۹	۴۵/۱	۱۲/۸	۵۰۹	۲	۳/۷	پرو
۳۵/۱	۵۱/۳	۴۸/۸	۵۸/۴	۱۶/۳	۱۱/۱	اروگوئه
۳۵/۱	۵۱/۳	۴۸/۸	۵۸/۴	۱۶/۳	۱۱/۱	ونزوئلا

منبع: براساس بررسیهای خانوار انجام شده توسط نویسندگان مقاله

جدول شماره ۶. نرخهای پوشش استخدام شدگان (مشارکت کنندگان / افراد استخدام شده)،
بر حسب صدک های درآمدی

مشارکت کنندگان / جمعیت فعال اقتصادی بالای سن ۲۰ سال						کشور
جمع	۲۰ درصد پنجم	۲۰ درصد چهارم	۲۰ درصد سوم	۲۰ درصد دوم	۲۰ درصد اول	
۴۰/۳	۷۱/۶	۶۸/۳	۴۷/۷	۱۸/۳	۴	آرژانتین
۱۰/۹	۳۴	۱۵/۲	۴/۱	۱/۱	۰/۳	بولیوی
۴۹	۷۱/۶	۶۶/۱	۵۷/۹	۴۳/۷	۱۵/۶	برزیل
۶۳/۴	۷۲/۸	۶۷/۵	۷۰/۶	۷۱/۸	۲۹/۹	شیلی
۵۲/۱	۶۲/۴	۶۹/۲	۶۲/۶	۵۲	۱۵/۹	کاستاریکا
۲۳/۳	۴۵	۳۷/۷	۲۱/۱	۶/۵	۶/۸	اکوادور
۳۱/۶	۶۸/۷	۴۵/۹	۳۵/۱	۳/۳	۵/۷	السالوادور
۱۹/۶	۴۷/۴	۳۶/۱	۱۵	۱/۸	۰/۴	گوآتمالا
۳۹/۳	۵۱/۷	۴۳/۸	۳۰	۴۱/۵	۳۰/۲	مکزیک
۱۹/۴	۳۱/۷	۲۷/۱	۲۰/۵	۱۴/۹	۳/۸	نیکاراگوئه
۱۴/۸	۳۵	۲۸	۱۰/۱	۱/۳	۰/۱	پاراگوئه
۱۴/۴	۴۶/۸	۱۴/۲	۷/۴	۱/۸	۲	پرو
۶۵	۹۲/۷	۸۵	۷۴/۸	۵۵/۲	۱۷/۳	اروگوئه
۴۰	۵۱/۴	۴۹/۸	۶۰/۹	۲۳/۱	۱۷/۹	ونزوئلا

منبع: براساس بررسیهای خانوار انجام شده توسط نویسندگان مقاله

جدول شماره ۷. نرخهای پوشش استخدام شدگان (مشارکت کنندگان / افراد استخدام شده)،
برحسب رشته فعالیت و بخش اقتصادی

کشور	رشته فعالیت			صرفاً بخش مزدبگیران	
	اولیه	ثانویه	ثالثیه	عمومی	خصوصی
آرژانتین	۲۸	۳۳/۸	۴۲/۳	۶۶/۵	۵۰/۶
بولیوی	۱/۹	۸/۵	۲۰	۶۹/۳	۱۷
برزیل	۱۲/۶	۵۸/۷	۵۷/۳	۸۸/۸	۷۴/۱
شیلی	۵۳/۷	۶۴/۸	۶۵/۲	۹۰/۳	۷۸/۱
کاستاریکا	۳۷	۵۴/۲	۵۵/۵	۹۳/۹	۶۷/۹
اکوادور	۷/۱	۲۲/۸	۳۱/۹	۸۱/۱	۳۹/۷
السالوادور	۳/۵	۴۲/۳	۳۶/۷	۹۲	۴۸/۴
گواتمالا	۸/۳	۲۶/۹	۲۵/۷	۷۳/۸	۴۸/۲
مکزیک	۷/۶	۵۱/۴	۴۷/۱	۷۸/۵	۵۷/۷
نیکاراگوئه	۳	۲۹/۳	۲۵/۷	۷۸/۸	۳۱/۷
پاراگوئه	۱/۴	۱۵/۴	۲۲/۱	۸۲/۲	۲۵/۵
پرو	۳/۳	۱۶/۸	۲۱/۴	۶۰/۲	۲۴/۲
اروگوئه	۵۸/۹	۵۳/۷	۶۸/۷	۹۹	۷۱/۳
ونزوئلا	۱۸/۱	۴۲/۶	۴۲/۵	۹۱/۴	۶۳/۸

منبع: براساس بررسیهای خانوار انجام شده توسط نویسندگان مقاله

جدول شماره ۸. نرخهای پوشش استخدام شدگان (مشارکت‌کنندگان/افراداستخدام‌شده)،
برحسب اندازه بنگاه (مؤسسه)

کشور	کوچک	متوسط	بزرگ
آرژانتین	۱۰/۵	۵۳/۷	۸۵/۸
بولیوی	۲/۱	۲۹/۲	۳۹/۶
برزیل	۴۰/۸	۶۵/۹	۸۷
شیلی	۳۲/۱	۷۶/۷	۸۹/۷
کاستاریکا	۱۷/۴	۶۷	۸۹/۷
اکوادور	۷/۳	۳۲/۶	۶۸/۹
السالوادور	۷/۱	۴۱/۵	۸۴/۳
گواتمالا	۲/۷	۳۹/۴	۷۷/۶
مکزیک	۷/۳	۵۴/۹	۸۳/۹
نیکاراگوئه	۳/۱	۳۴/۷	۷۰
پاراگوئه	۲/۶	۴۱/۷	۶۶/۸
پرو	۳/۱	۱۹/۶	۵۶/۴
اروگوئه	۳۴/۹	۸۰/۹	۹۶/۵
ونزوئلا	۶/۵	۵۳/۹	۸۴/۴

منبع: بر اساس بررسیهای خانوار انجام شده توسط نویسندگان مقاله

نکته:

«کوچک» متناسب به مؤسسات بالای ۵ نفر کارگر می‌شود (بجز بولیوی و اروگوئه، که بالاتر از ۴ نفر کارگر را مشمول می‌شود).

«متوسط» متناسب به مؤسسات بین ۶ تا ۵۰ نفر کارگر می‌شود (بجز آرژانتین که ۴۰-۶ نفر کارگر را در بر می‌گیرد، بولیوی ۴۹-۵ نفر کارگر، برزیل ۱۰-۶ نفر کارگر، کاستاریکا ۱۹-۶ نفر کارگر، اروگوئه ۴۹-۵ نفر کارگر و ونزوئلا ۲۰-۶ نفر کارگر).

«بزرگ» متناسب به مؤسساتی با ۵۱ نفر کارگر یا بیشتر می‌شود (بجز در آرژانتین، که متناسب به ۴۱ کارگر یا بیشتر می‌شود، بولیوی و اروگوئه با ۵۰ نفر کارگر یا بیشتر، برزیل ۱۱ نفر کارگر یا بیشتر، کاستاریکا ۲۰ نفر کارگر یا بیشتر و ونزوئلا با ۲۱ کارگر یا بیشتر).

جدول شماره ۹. درصد جمع کل درآمد خانواده‌ها با درآمدهای تأمین اجتماعی،
برحسب نوع خانواده

کشور	خانواده مرکب از صرفاً افراد سالمند	خانواده مرکب از افراد سالمند و جوان	جمع
آرژانتین	۸۶/۷	۵۹/۸	۷۰/۶
بولیوی	۷۹/۹	۵/۵	۵۵/۳
برزیل	۸۹	۶۰/۹	۶۲/۹
شیلی	۶۸/۶	۳۸/۳	۴۶/۷
کلمبیا	۸۵/۹	۶۲/۳	۶۵/۱
کاستاریکا	۸۵/۱	۴۸/۸	۵۶
جمهوری دومینیکن	۷۱/۸	۴۱/۹	۴۵/۹
اکوادور	۶۶/۴	۳۴/۷	۴۰/۷
السالوادور	۷۳/۵	۳۷	۴۵/۲
گواتمالا	۸۴/۱	۴۱	۴۵/۳
پاناما	۸۷/۵	۵۱/۸	۵۸/۵
پاراگوئه	۶۷/۹	۴۷/۹	۵/۷
پرو	۵۲	۳۳/۵	۳۸/۴
اروگوئه	۶۵	۴۲/۷	۴۷/۹

منبع: براساس بررسیهای خانوار انجام شده توسط نویسندگان مقاله

جدول شماره ۱۰. پوشش انفرادی و مشترک سالمندان

کشور	انفرادی	مشترک
آرژانتین	۶۸/۳	۷۲/۷
بولیوی	۱۴/۷	۱۹
برزیل	۸۵/۹	۹۴/۱
شیلی	۶۳/۸	۷۷/۳
کلمبیا	۱۸/۶	۲۵/۹
جمهوری دومینیکن	۱۰/۹	۱۶
اکوادور	۱۵/۲	۲۱/۷
السالوادور	۱۴/۵	۱۹/۴
گواتمالا	۱۱/۳	۱۶/۴
مکزیک	۱۹/۲	۲۷/۱
نیکاراگوئه	۴/۷	۱۶/۳
پاناما	۴۵	۵۴/۹
پاراگوئه	۱۹/۶	۲۷/۱
پرو	۲۳/۷	۳۲/۲
اروگوئه	۸۷/۱	۹۴/۵
ونزوئلا	۲۳/۹	۳۲/۳

منبع: براساس بررسیهای خانوار انجام شده توسط نویسندگان مقاله

ریشه مشکل در مرحله فعالیت نظام است، زیرا نرخ بالای عدم رسمیت منجر به دسترسی محدود به مزایای تأمین اجتماعی برای سالمندان می شود. کشورهای معدودی که این واقعیت را تشخیص داده، الگوهای غیرمشارکتی را اجرا کرده اند و در تلاش برای حمایت از سالمندان از طریق شیوه های دیگری هستند. در میان اینها، مورد برزیل حائز اهمیت است که از یک الگوی مشارکتی ولی بسیار منعطف استفاده می کند. به عبارت دیگر، شیلی و بولیوی برنامه های غیرمشارکتی را به میزان قابل ملاحظه ای توسعه داده اند. البته توسعه هرگونه الگوی غیرمشارکتی یا یارانه ای نیازمند تحلیل دقیق برای اطمینان از پایداری مالی آنهاست.

داده ها مشخص می کنند که مشکلات پوشش فراتر از مباحثات مربوط به مدیریت دولتی یا خصوصی نظام است. ۸ کشور بررسی شده نظامهای تأمین اجتماعی خود را اصلاح کرده، نظام اندوخته گذاری را با حسابهای انفرادی و مدیریت خصوصی ارائه کرده اند، در صورتی که بقیه، آنها هنوز بر الگوهای پرداخت جاری که به وسیله دولت اداره می شود، استوار هستند. پوشش کم با نابرابری سطح درآمد، بخش اقتصادی و حوزه اقامت، تقریباً در همه کشورها تکرار می شود که نشان دهنده وجود مشکلات ساختاری در بازارهای کار و طراحی نظامهای تأمین اجتماعی است که باید مورد بازبینی مجدد قرار گیرد.

اندازه گیری پوشش تأمین اجتماعی و عوامل تعیین کننده که در این مقاله ارائه شده اولین گام در یک برنامه تحلیلی است که در پی مشارکت در بحث درباره این مشکلات و جست و جوی راهکارهای مربوط است. این برنامه با ایجاد بانک اطلاعاتی که شامل سریهای زمانی برای شاخص ها و تحلیل دقیق تر با استفاده از ابزارهای پیچیده تر است، به جای اینکه به مقایسه میان متغیرها بپردازد، ادامه خواهد یافت.